

کتاب الطهارة

فرایض وضو: در وضو چهار عمل فرض است: ۱- شستن صورت در طول از بالای پیشانی (ابتدای محل روییدن موی سر) تا زیر چانه و زنخدان و در عرض تا هر دو گوش. یادآوری: چنانچه ریش کسی انبوه و گنجان باشد، رساندن آب در بن موهای ریش لازم نیست. ۲- شستن هر دو دست تا آرنجها. ۳- مسح یك چهارم سر. ۴- شستن هر دو پا با شتالنگها (استخوان پاشنه ی پا، قوزك). چنانچه از چهار عضو مذکور به اندازه ی یك ناخن یا کمتر از آن هم خشك بماند، وضو صحیح نیست سنتهای وضو: سنتهای وضو بدین ترتیب هستند: ۱- خواندن بسم الله الرحمن الرحیم در ابتدای وضو. ۲- سه بار شستن هر دو دست تا مچ دست. ۳- سه بار با دست آب در دهان و بینی کردن. ٤- مسواك زدن. ٥- خلال ریش. ٦- خلال انگشتان. ۷- سه بار شستن هر دو دست با آرنجها. ۸- یکبار تمام سر را مسح کردن. ۹- مسح هر دو گوش با آن مقدار رطوبت و خیسی، که از مسح سر باقی مانده است. ۱۰- سه بار هر دو پا را با قوزکها شستن. مواردی که وضو را باطل می کنند: ۱- هر چیزی که از مجرای دفع ادرار یا مقعد بیرون آید، وضو را باطل می کند. ۲- بیرون آمدن خون یا چرك از هر جای بدن و رسیدن آن به محلی که شستن آن محل لازم است. ۳- استفراغ زردآب، آب، خون منجمد به اندازه ی پری دهان. ٤- خوابیدن بر پشت ، یا بر پهلو، یا تکیه زده به چیزی که اگر آن برداشته شود، بیفتد. ٥- دیوانگی. ٦- مستی. ۷- بیهوشی. ۸- خندیدن با صدای بلند در نمازی که دارای رکوع و سجده باشد. ۹- مباشرت فاحشه. ۱۰- کِرْم اگر از مقعد خارج شود، ناقض وضو است؛ اما اگر از سر زخم بیافتد وضو را نمی‌شکند. ۱۱- اگر پوست دانه، یا آبله‌ای را باز کرد و از آن آب، یا چرک یا غیره خارج شده و جاری گشت وضو می‌شکند، اما اگر جاری نشد ناقض وضو قرار نمی‌گیرد. تمام مواردی که ذکر شدند، وضو را باطل می کنند. اگر به مقدار پُری دهان، بلغم استفراغ کرد به طوری که اگر همه ی آنها جمع شوند، به اندازه پُری دهان می رسند، از نظر امام محمد : در صورتی که علت تهوع یکی باشد، وضویش باطل می شود.از نظر امام ابویوسف : اگر مجلس یکی باشد وضو باطل می شود. خواب در حال ایستادن یا نشستن بدون تکیه یا در حال رکوع و سجده ی مسنونه وضو را باطل نمی کند.

غسل: فرایض غسل: در غسل سه چیز فرض است: ۱- شستن تمام بدن از سر تا پا. ۲- آب در دهان کردن. ۳- آب در بینی کردن. سنتهای غسل: سنت در طریقه ی غسل آن است که اول دستها را بشوید، سپس نجاست را از بدن خویش پاك کرده، وضو کند آنگاه تمام بدن را سه بار بشوید. چنانچه در محلی که غسل می کند، آب غسل جمع می شود، پاهای خود را پس از اتمام غسل بشوید. رساندین آب در بن موهای بافته شده، بر زنان فرض است. اما باز کردن گیسوها لزومی ندارد. و مرد اگر موی بافته شده داشته باشد، شکافتن و شستن تمام موها از سر تا بن فرض است. آنچه غسل را واجب می کند: ۱- جماع به هر صورت که باشد چه با زن یا با مرد (عمل نامشروع لواط) گرچه انزال منی نشود. ۲- برخورد شرمگاه‌های مرد و زن و غایب شدن حشفه؛ گرچه انزال نشود. ۳- هنگام انقطاع خون حیض و قاعدگی. ٤- هنگام انقطاع خون نفاس. ٥- احتلام. اگر کسی احتلام شد ولی منی بیرون نیامد و آثار منی هم مشاهده نگردید، غسل بر او واجب نمی شود. در موارد زیر غسل سنت است: ۱- نماز جمعه. ۲- برای هر دو عید (عید سعید فطر، عید قربان) ۳- عرفه. ٤- احرام. در موارد زیر غسل لازم نمی‌گردد: ۱- خروج مذی (مایعی که هنگام ملاعبت با همسر از هر دو خارج می‌شود). ۲- ودی (مایع غلیظی که گاهی اوقات بعد از ادرار خارج می‌شود). در این دو مورد فقط وضو لازم می‌گردد.

انواع آبها و حکم آن: آبها بر دو قسم هستند: ۱- آب مطلق خالص. ۲- آب مقید و ناخالص. آب مطلق به آبی گفته می شود که طهارت با آن جایز است و بر شش نوع می باشد: ۱- آب باران. ۲- آب دریا. ۳- آب نهر و جوی ها. ٤- آبی که از ذوب شدن برف و یخ به دست آید. ٥- آب چشمه ها. ٦- آب چاهها. آب مقید یا مضاف: به آبی گفته می شود که طهارت با آن جایز نیست. مانند: انواع آب میوه ها، آب درختان و برگ آنها. در صورتی که با آب مطلق چیز پاکی مانند خاك، صابون، زعفران و غیره مخلوط شود و رِقّت و جریان آب را از بین ببرد، وضو با آن جایز نیست. مثلاً یك کیلو گلاب در یك کیلو آب یا دو کیلو گلاب در یك لیتر آب مخلوط شود، یا نام آب از آن از بین برود، مانند آش، شوربا، گلاب، سرکه و غیره در این صورت هم وضو و غسل با چنین آبهایی صحیح نیست. ولی چنانچه پارچه یا دیگر چیز نجسی، با آبهای فوق شسته شود، پاك می شود. آب جاری و آب کثیر، از افتادن نجاست در آن، یا عبور آب بر نجاست در صورتی که رنگ، مزه، و بوی نجاست در آن ظاهر نشود، نجس نمی شود. آب کثیر: آن است که: ۱- با تکان دادن یک گوشه آن، گوشه دیگر تکان نخورد. ۲- ده در ده باشد. ۳- اگر در یک طرف آن وضو یا غسل انجام شود، طرف دیگر تکان نخورد. اگر در نهر کوچك آب، سگ یا دیگر حیوان نجسی افتاده بود و آب از روی آن عبور می کرد، یا متصل با ناودان ساختمان، شیء نجسی قرار داشت که آب بام ساختمان از روی آن عبور می کرد، در صورتی که اکثر آب از روی حیوان نجس یا نجاست بگذرد، آب نجس می شود وگرنه، پاك است. - مردن آنچه که خون جاری ندارد در آب، آب را نجس نمی‌کند، مثل: پشه، مگس، زنبور عقرب و... - همچنین آب نجس نمی‌گردد در صورتی که در آب حیوانی بمیرد که در آب زندگی می‌کند، مثل: ماهی، قورباغه و خرچنگ. آب راکد اگر کثیر و بسیار باشد از وقوع نجاست در آن، نجس نمی شود و اگر قلیل باشد نجس می شود . آب مستعمل: عبارت است از آبی که به وسیله آن بی‌وضویی بر طرف شده، یا جهت عبادتی مقصودی استعمال شده است. حکم: پاك است اما پاك کننده نیست. - و هر پوستی که رنگ شود پاك می‌گردد و نماز بر آن جایز است، و اگر از آن مَشْک آبی درست کردند وضو گرفتن با آن آب جایز است؛ به غیر از پوست انسان و خوک. - موی حیوان خودمرده و استخوانش پاك است؛ همچنین مو و استخوان انسان هم پاك است. مسایل چاه‌ها: اگر جانوری در چاه افتاد و باد کرد و قطعه قطعه شد، برای پاك شدن چاه، باید تمام آب چاه کشیده شود و اگر باد نکرد و ریزه ریزه نشد، چنانچه جانور بزرگ است مانند شتر، گوسفند، انسان، گربه و امثالهم، تمام آب چاه را بکشند و اگر متوسط باشد مانند کبوتر، مرغ و غیره، چهل

دلو تا شصت دلو آب کشیده شود و اگر کوچك است مانند گنجشك و امثاله بیست دلو تا سی دلو کشیده شود. سه گنجشك حکم یك کبوتر را دارد. والله اعلم. اگر از پس‌افکنده‌های شتر یا گوسفند و... یک یا دو تا اگر در چاه بیافتند آب چاه نجس نمی‌گردد، مگر در صورتی که تعدادشان زیاد باشد به گونه‌ای که در هر دلوی که از چاه کشیده می‌شود یک یا چند تا بیرون بیاید، در این صورت آب چاه نجس می‌گردد. اگر گوسفندی در چاه ادرار کرد آب آن نجس می‌شود. - اگر چاه دارای چشمه بود در این صورت به اندازه گُوْدی چاه آب بکشند، روش محاسبه کردن اندازه گُوْدی چاه به این صورت است که: ۱- اندازه گودی چاه در کنار آن چاله‌ای حفر شود، و بعد به اندازه آن چاله آب کشیده شود. ۲- یا در آن چوب بزرگی وارد کنند و بر حدی که چوب خیس شده علامت بگذارند، سپس به اندازه ده دلو از آن آب بکشند و دوباره چوب را داخل چاه بگذارند و ببینند که تا چه اندازه خیس می‌شود، بر آن حد علامت بگذارند و بعد محاسبه کنند که چند تا علامت به همان اندازه تا آخر چوب می‌شود برای هر علامتی ده دلو آب بکشند. ۳- دویست تا سیصد دلو آب بکشند (قول راجح همین است). اگر در چاهی موشی یا غیره یافتند در حالی که باد نکرده بود و معلوم نبود که چه زمانی در آب افتاده است، در صورتی که از آب چاه وضو گرفته‌اند نمازهای یک شبانه روز را اعاده کنند، و هر چیزی که با آن شسته‌اند دوباره بشویند. اما اگر باد کرده بود یا ترکیده بود در این صورت نمازهای سه شبانه روز را اعاده کنند و هر چیزی را که در این مدت با آب چاه شسته‌اند دوباره بشویند. پس خورده ی حیوانات: عرق هر حیوانی حکم پس‌خورده او را دارد. باقیمانده ی غذای انسان (گرچه کافر هم باشد) و باقیمانده ی چیزی که جانوران حلال گوشت و اسب از آن خورده اند، همچنین عرق جانوران مذکور و الاغ پاك است. باقیمانده ی غذای گربه، و موش، و دیگر جانوران خانگی و پرندگان حرام گوشت مکروه است. باقیمانده ی غذای حیوانات حرام گوشت مانند: خوك، سگ، و غیره نجس است. ظرفی که سگ به آن دهان زده، سه‌بار باید شسته شود. پس‌خورده مرغ رها شده (مخلاة) مکروه است. پس‌خورده الاغ و قاطر مشکوک است که آیا پاک کننده است یا خیر؟! در صورت نبود آبی غیر از پس‌خورده الاغ و قاطر، باید تیمم و وضو را با هم انجام دهد.

تیمم: تیمم به جای وضو و غسل (جنابت، حیض و نفاس) با شرایط زیر جایز است: ۱- عدم دسترسی بر استفاده ی آب به سبب دوری آب به اندازه ی سه‌هزار و پانصد تا چهار هزار قدم (۲ کیلومتر). ۲- احساس ترس بیماری یا شدت آن بواسطه استفاده از آب. ۳- ترس از دشمن یا وجود حیوان درنده ای در محل آب، یا خطر مرگ یا مریضی در هوای سرد. ٤- فراهم نشدن وسائل کشیدن آب از چاه یا وجود دیگر عذر موجه شرعی. فرایض تیمم: در تیمم سه چیز فرض است: ۱- نیت کردن. ۲- هر دو دست را بر زمین زدن و یکبار بر تمام صورت و چهره مالیدن. ۳- هر دو دست را بر زمین زدن و دستها را تا آرنج مالیدن. اگر مقدار یك ناخن یا کمتر از آن، از دست و صورت باقی بماند که بر آن، دست مالیده نشده باشد، تیمم صحیح نیست. هنگام تیمم باید انگشتر و ساعت را بیرون آورد و انگشتان را خلال نمود. تیمم بر آن چیزی جایز است که از جنس زمین بوده و پاك هم باشد. مانند خاك، ریگ، کلوخ، سنگ، گچ، آهك و غیره. تیمم قبل از وقت نماز هم جایز است و با یك تیمم هر چند نماز فرض و نفل بخواند، صحیح است. اگر پس از تیمم بر آب توانایی حاصل کرد، تیممش باطل می شود. و اگر در وسط نماز، آب میسر شد، نمازی که با تیمم شروع کرده باطل می شود. هر آن چیزی که وضو را می‌شکند، تیمم را هم می‌شکند، همچنین توانایی حاصل کردن بر آب هم تیمم را می‌شکند.

مسح موزه ها: موزه باید با طهارت کامل پوشیده شود، آنگاه مسح بر آن جایز است. شخص مقیم می تواند به مدت یك شبانه روز و مسافر به مدت سه شبانه روز از هنگام بی وضو شدن، بر موزه های خویش مسح کند. فرض در مسح موزه ها به مقدار سه انگشت دست است و سنت است که با هر پنج انگشت دست از سر انگشتان پا تا ابتدای ساق مسح کند. اگر موزه ها چنان پاره شوند که در راه رفتن مقدار سه انگشت پا ظاهر شود، مسح بر آنها روا نیست. اگر شخصی با وضو بود و یك موزه را از پا بیرون کشید به طوری اکثر قدم از محل خود، در ساق موزه بیرون آمد، یا این که مدت مسح موزه تمام شد، در هر دو صورت، هر دو موزه را بیرون کشیده، فقط پاها را بشوید و برگرداندن تمام وضو لازم نیست. مسح بر موزه برای کسی که بر او غسل لازم شده، جایز نیست. هر آن چیزی که وضو از آن می‌شکند، مسح هم از آن می‌شکند. همچنین با کشیدن موزه، اتمام زمان مسح، وضو می‌شکند. مسح بر جوراب جایز نیست، مگر در صورتی که زیر و روی جوراب یا فقط زیر آن از چرم باشد. مسح بر عمامه، کلاه، برقعه و دست‌کش جایز نیست.

باب الحیض و الاستحاضة والنفاس: حداقل و حداکثر مدت حیض: حداقل مدت حیض سه روز و حداکثر آن ده روز است. نزد امام شافعی حداقل یک روز و حداکثر ۱۵ روز است. حداکثر مدت نفاس چهل روز است و برای کمترین مدت نفاس حد معینی وجود ندارد، البته بستگی به عادت هر زن دارد. در طی روزهای حیض و نفاس هرگونه خونی که مشاهده شود حیض یا نفاس شمرده می شود، به جز خون سفید خالص که نشانه ی پاك شدن است. حداقل مدت پاکی در یك ماه در میان دو حیض پانزده روز است آنچه از سه روز کمتر یا از ده روز بیشتر در حیض و از چهل روز بیشتر در نفاس، خون دیده شود، خون «استحاضه» (یك نوع بیماری است که بر اثر آن زن خونریزی می کند) محسوب می شود، که مانع از نماز، روزه و جماع نیست. اگر زنی را بیش از عادت دائمی اش خون حیض ادامه یافت، تا ده روز حیض حساب می شود و آنچه اضافه بر عادت آمده باشد، استحاضه است. زنی که برای اولین بار حائضه شده مدت حیض او در هر ماه ده روز و اضافه بر ده روز استحاضه به شمار می آید. در طی مدت حیض و نفاس اگر اندك مدتی پاکی یافت شود، تمام آن مدت حیض یا نفاس حساب می شود. حکم حیض و نفاس: نماز در حالت حیض و نفاس، به طور کلی ساقط می شود و قضای آن لازم نیست. ولی روزه دائماً ساقط نمی شود، بلکه قضای آن واجب است. در طی مدت حیض و نفاس همخوابی حرام است اما در حالت استحاضه حرام نیست. چنانچه قبل از تمام شدن ده روز خون حیض منقطع شد، تا زمانی زن غسل نکند، جماع حلال نیست. مگر این که از وقت انقطاع خون حیض تا حین جماع وقت یك نماز کامل بگذرد، آنگاه جماع رواست و پس از تمام شدن ده روز قبل از غسل هم جماع جایز است ولی بهتر آن است که بعد از غسل عمل جماع انجام گیرد. در حالت حیض و نفاس و جنابت، خواندن قرآن، داخل شدن در مسجد، طواف خانه کعبه، مَس قرآن کریم بدون پوش و غلاف، جایز نیست و شخص بی وضو هم نباید بدون

پرده و غلاف به قرآن دست بزند. مستحاضه و کسی که مبتلا به سلسل البول، یا خون دماغ شدن همیشگی، و کسی که زخمی دارد که خوب نمی‌شود، برای هر نماز باید وضو بگیرند و با آن هر نوع نمازی که دوست دارند بخوانند، تا زمانی که وقت نماز تمام شود، به محض اینکه وقت نماز تمام شد وضو باطل می‌گردد.

باب الأنجاس: پاک کردن نجاست از بدن نمازگزار و لباسش و محل نمازش واجب است، چنانچه بدن و لباس کسی نجس باشد و آب برای رفع نجاست میسر نشود و دیگر لباس پاکی هم به اندازه ی پوشیدن عورت نداشته باشد، خواندن نماز با همان نجاستها صحیح است. منی اگر غلیظ و خشك باشد با مالیدن و خراشیدن پاك می شود و اگر تر باشد باید شسته شود. شمشیر، چاقو و هر آن چیزی که سفت و سخت باشد با مسح و مالیدن بر روی خاك و زمین پاك می شود. زمین، دیوار، آجر، خشت مفروش، اگر نجس شوند در صورتی خشك شوند و اثری از نجاست بر آنها باقی نماند، برای نماز پاك می شوند، اما برای تیمم پاك نیستند.درخت و گیاه غیر مقطوع و مقطوع با شستن پاك می شوند. نجاستی که ظاهر و قابل دیدن باشد باید شسته شود به طوری که عینش زایل شود، آنگاه پاك است و اگر بعد از شستن، اثر آن باقی بماند مانند خون و غیره اشکالی ندارد. نجاستی که ظاهر و قابل دیدن نباشد، آن را سه تا هفت بار باید شست آنگاه پاك می شود. مدفوع حیوانات در صورتی که سوخته و خاکستر شود، پاك است. اگر حیوان نجسی در نمکزار افتاد و نمك گردید، پاك است. نجاست بر دو قسم است: ۱- نجاست غلیظه. ۲- نجاست خفیفه. نجاست خفیفه (سبك) مانند ادرار جانوران حلال گوشت، مدفوع پرندگان حرام گوشت. نجاست غلیظه (سنگین) مانند ادرار انسان (اگرچه بچه ی کوچك هم باشد) ادرار جانوران حرام گوشت، مدفوع چهارپایان، مشروب و منی. مدفوع پرندگان حلال گوشت، به جز مرغان خانگی و مرغابی پاك است. حکم نجاست غلیظه: حکم نجاست غلیظه آن است که مقدار یك درهم یعنی به اندازه ی مساحت کف دست در صورت رقیق بودن، و در صورت غلظت و جرم دار بودن مقدار چهار و نیم عدد ماش معاف است، و بیش از آن نجس و مانع نماز است. اما در هر صورت اگر نجاستی به مقدار فوق با آب مخلوط شود آب را نجس می کند. قطرات و ذرات بسیار ریزه ادرار که روی پارچه یا لباس پاشیده و یا ریخته شوند، معاف است.

کتاب الصلوة

اوقات نماز: ۱- وقت نماز فجر از طلوع صبح صادق تا طلوع آفتاب است. ۲- وقت نماز ظهر از نظر امام اعظم، بعد از زوال آفتاب است تا اینکه سایه ی هر چیز به اندازه‌ی دو برابر آن (بدون از سایه‌ی اصلی) برسد و از نظر صاحبین تا یك برابر آن. ۳- وقت نماز عصر از پایان وقت ظهر (بر اساس دو نظر فوق) تا هنگام زرد شدن و کم نور شدن آفتاب است که از آن پس تا غروب کامل، وقت مکروه شروع می شود و هیچگونه نمازی در آن موقع صحیح نیست مگر عصر همان روز که با کراهت تحریمی ادأ می شود. ٤- وقت نماز مغرب از غروب آفتاب تا غروب شفق سرخ رنگ است و از نظر امام اعظم تا غروب شفق سفید. لیکن تأخیر آن تا وقتی که ستارگان نمایان و انبوه شوند، مکروه است. ٥- وقت نماز عشأ پس از پایان وقت مغرب طبق هر دو نظریه، تا هنگام طلوع فجراست. نماز وتر بعد از عشأ خوانده می شود و وقتش نیز تا طلوع فجر امتداد دارد. البته تأخیر آن تا طلوع فجر مکروه تحریمی است. اوقات مستحب: نماز صبح پس از روشنایی کامل هوا، بطوری که با قرائت مسنون خوانده شود و در صورتی که فاسد شود، باز با قرائت مسنون ادای آن ممکن باشد، و تأخیر نماز ظهر در تابستان و تأخیر نماز عشأ تا ثلث اول شب خواندن، تاخیر نماز عصر تا زمانی که خورشید تغییر نکرده باشد در تابستان و زمستان، و زود خواندن نماز مغرب، و خواندن وتر در آخر شب، مستحب است. اوقات مکروهه: هنگام طلوع آفتاب و استوأ شمس (قرار گرفتن خورشید بر نصف النهار هر منطقه) و غروب آفتاب، ادای سجده ی تلاوت و خواندن نماز جنازه و هیچ نماز دیگری جایز نیست. ادای نوافل بعد از طلوع صبح صادق به استثنای سنت فجر، و بعد نماز عصر تا غروب آفتاب و پیش از نماز مغرب هم مکروه است. البته قضای نماز در این اوقات جایز است.هر نماز به محض رسیدن وقت آن، بر عهده ی انسان لازم می شود. اگر کافری مسلمان شد، یا کودکی بالغ گشت، یا دیوانه ای به هوش آمد و به مقدار گفتن تکبیر تحریمه از وقت آن نماز باقی بود، آن نماز بر وی فرض می شود. پس از قطع خون حیض و نفاس اگر وقت به مقدار غسل کردن و گفتن تکبیر تحریمه باقی باشد، آن نماز نیز بر وی فرض می شود.

باب الأذان: گفتن اذان و اقامه برای ادا و قضای نمازها مسنون و روش آن معروف است. تعداد کلمات اذان: نزد شوافع ۱۹ کلمه؛ نزد مالکیه ۱۷ کلمه؛ نزد احناف ۱۵،ترك اذان برای مسافر مکروه است و هر کس در خانه نماز می خواند اذان محله برایش کافی است. و در اذان ترجیع جایز نیست، ترجیع فی الاذان: شهادتین را مرتبه اولا آهسته ومرتبه دوم با آواز بلند اداء بکند. نزد شوافع ومالکیه ترجیع در اذان سنت است. نزد حنابله ترجیع وعدم ترجیع هردو جائزاست. نزد حنفیه ترجیع مسنون نیست ومکروه است. اقامه همانند اذان است مگر اینکه بعد از حيَّ الفلاح قد قامت الصلوة را دوبار اضافه کند. تثویب (اعلان دوباره) فقط در نماز صبح جایز است و در بقیه نمازها مکروه است. اذان زن، و اذان در حالت جنابت مکروه است. شرایط نماز: شرایط نماز بدین ترتیب می باشند: ۱- پاك بودن بدن نمازگزار از نجاست حقیقی و حکمی آنگونه که شرح آن قبلاً بیان گردید. ۲- پاك بودن لباس و مکان نماز. ۳- استقبال قبله. ٤- پوشاندن عورت. ٥- نیت نماز. ٦- استقبال قبله. عورت مرد از ناف تا زیر زانو و عورت کنیز نیز از ناف تا زیر زانو، سینه و شکم و قسمت پشت کنیز هم عورت است ، و تمام بدن زن خانواده عورت است مگر صورت و هر دو کف دست و هر دو مچ و کفهای پا که به سبب ضرورت پوشاندن آنها لزومی ندارد. اگر یك چهارم عضوی از اعضای عورت مرد یا زن در نماز برهنه باشد، نماز فاسد می شود. گیسوهای زن یك عضو مستقلی هستند و چنانچه یك چهارم آن برهنه باشد نماز فاسد می شود. صدای زن عورت است و چنانچه زن با صدای بلند در نماز قرائت بخواند نمازش باطل می شود. اگر کسی را پارچه و لباسی به مقدار پوشاندن عورت میسر نشود، نماز او برهنه جایز است. اگر جهت قبله برای کسی معلوم نبود و نمی دانست به کدام طرف نماز بخواند، باید بیندیشید، سپس طبق نظرش نماز بخواند، اگر بدون تفکر و اندیشه، نماز را شروع کرد، نمازش صحیح نیست. اگر شخصی به سبب ترس از دشمن یا بر اثر بیماری، نمی تواند رو به جانب قبله کند، به هر سو که ممکن است نماز بخواند. خواندن نماز نفل در صحرا و بیابان بر چهارپا، ماشین، موتور، به هر سمتی که در حرکت اند، جایز

است، گرچه رو به جانب قبله هم نباشد.یکی از شرایط نماز نیت است. برای ادای نماز نفل، سنت و تراویح، نیت مطلق هم جایز است ، ولی برای فرض و وتر، همزمان با تکبیر تحریمه باید نیت تعیین شود. بدین صورت که قطعاً بداند که نماز ظهر یا عصر را می خواند. مقتدی باید نیت اقتدأ به پشت سر امام را بکند، اما نیت تعداد رکعات لازم نیست. ارکان نماز: فرایض داخل نماز عبارتند از: ۱- تکبیر تحریمه. ۲- قیام. ۳- خواندن قرائت قرآن، خواندن قرائت در دو رکعت از نمازهای پنجگانه و در هر سه رکعت وتر و در هر رکعت نفل فرض است. (خواندن حداقل یك آیه در نماز از نظر امام اعظم فرض است و از نظر صاحبین خواندن سه آیه ی کوچك یا یك آیه ی بزرگ که به قدر سه آیه ی کوچك باشد، فرض است. سنت قرائت: سنت در قرائت آن است که در حالت مقیم بودن و اطمینان خاطر، در نماز فجر و ظهر، «طوال مفصل» (از سوره ی حجرات تا سوره ی بروج) در نماز عصر و عشأ، «اوساط مفصل» (از سوره ی بروج تا سوره ی لم یکن) و در نماز مغرب قصار سوره ها (از لم یکن تا آخر قرآن) خوانده شود ولی بدین صورت همیشه لازم گرفتن و عمل کردن مسنون نیست.) ٤- رکوع. ٥- سجده؛ رکوع، سجده و ایستادن در تمام رکعات، فرض است. ٦- قعده اخیر، بعد از دو رکعت فجر و چهار رکعت ظهر، عصر، عشأ و بعد از سه رکعت مغرب و وتر و بعد از هر دو رکعت نفل، نشستن فرض است. واجبات نماز: در نماز پانزده چیز واجب است: ۱- قرائت فاتحه. ۲- ضم سوره یا یك آیه ی طویله یا سه آیه ی کوچك با فاتحه در تمام رکعات نفل و وتر و در دو رکعت اول از فرایض. ۳- خواندن قرائت در دو رکعت اول از نماز. ٤- رعایت ترتیب در سجده. ٥- ادای ارکان با اطمینان خاطر. ٦- «قَوْمه» (راست ایستادن بعد از رکوع). ۷- «جَلْسَه» (درست نشستن میان هر دو سجده.) ۸- قعده ی اولی. ۹- خواندن تشهد در قعده ی اولی. ۱۰- بجا آوردن ارکان پشت سر هم و بدون تأخیر (پس اگر شخصی دوبار رکوع کرد یا سه سجده نمود یا بعد از تشهد اولی درود خواند، سجده ی سهو بر وی لازم می شود). ۱۱- خواندن تشهد در قعده ی اخیره. ۱۲- قرائت با صدای بلند برای امام در دو رکعت فجر، و مغرب، و عشأ، و جمعه ، و عیدین، و آهسته خواندن در ظهر، و عصر، و نوافل روز. ۱۳- به پایان رساندن نماز با لفظ «السلام علیکم». ١٤- خواندن دعای قنوت در وتر. ۱۵- تکبیرات عیدین. فرق فرض و واجب: فرق میان فرض و واجب این است که از ترك فرض، نماز باطل می شود و از ترك واجب در صورت فراموشی، سجده ی سهو لازم می شود و نماز صحیح است و اگر سجده ی سهو نکرد یا واجبی را عمداً ترك کرد برگرداندن نماز واجب است. نماز با جماعت: ادای نماز با جماعت سنت مؤ کده (نزدیك به واجب) است اگر در حین خواندن سنتهای فجر که مؤ کدترین سنتها هستند، احتمال فوت جماعت بود، سنتها را باید ترك کرد و در جماعت شریك شد. مستحق امامت: شایسته تر برای امام شدن کسی است که به مسایل و احکام شرع از بقیه آگاه تر و داناتر باشد. بعد از آن، شخص قاری که از احکام فقهی هم اطلاع کامل داشته باشد. بعد از آن، کسی که پرهیزگارتر باشد. بعد از آن کسی که مُسِن‌تر باشد. برای فاسق، برده، اعرابی، کور، ولد الزنا مکروه است که امام جماعت شود. اگر مقتدی یك نفر باشد در سمت راست و برابر با امام بایستد و اگر دو نفر یا بیشتر باشند، پشت سر امام بایستند. اقتدای مرد قاری بالغ، به زن ،کودك و اُمّی (کسی که از قرآن هیچ بلد نیست) و اقتدای کسی که می خواهد نماز فرض بخواند پشت سر کسی که قصد خواندن نماز نفل را دارد، جایز نیست. همچنین اُمّی نمی تواند امام جماعت کسانی که از نظر قرائت چیزی بلد نیستند و کسانی که بلد هستند، بشود. نماز کسانی که ایستاده نماز بخوانند پشت سر امامی که نشسته و نماز کسی که وضو دارد پشت سر کسی که تیمم کرده جایز است. نماز کسی که رکوع و سجده می کند پشت سر اشاره کننده جایز نیست. پیش آمدن حَدَث در نماز: اگر کسی را حَدَثی (چیزی که باطل کننده ی وضو باشد) در نماز پیش آید، از نماز خارج شود، بدون اینکه حرفی بزند یا کاری انجام دهد، وضو گرفته فوراً به محلی که اول نماز می خوانده، برگردد و بر همان نماز بنأ کند (یعنی باقیمانده ی نماز را بخواند) و در صورتی که تنها نماز می خواند، برگرداندن نماز بهتر است. و اگر امام باشد، هنگام خروج از نماز برای خود جانشینی تعیین کند و وضو گرفته، برگردد با مقتدیها بایستد. اگر مقتدی را حدثی پیش آمد، برود وضو بگیرد و به مکان اول خود باز گردد و هر چند رکعت که امام خوانده است، بدون قرائت ادأ نماید سپس با امام شریك شود و اگر امام از نماز فارغ شده بود، مقتدی اختیار دارد که به مکان اول خود برگردد یا همان جایی که وضو گرفته بقیه ی نماز را تمام کند. چنانچه کسی عمداً خود را در نماز بی وضو کرد، نمازش فاسد می شود. اگر کسی در نماز دیوانه یا احتلام شد، یا با صدای بلند خندید، نجاستی که مانع نماز است بر وی افتاد، یا زخمی به وی رسید یا به گمان بی وضو شدن از مسجد بیرون رفت، یا بیرون از مسجد از حد صفوف بیرون آمد، سپس معلوم شد که بی وضو نشده و این ظن محض بوده، در تمام این صورتها نماز فاسد می شود و باید نماز را اعاده بکند. و چنانچه از مسجد یا محوطه ی صفها بیرون نرفت، می تواند بر همان نماز بنأ کند. اگر بعد از تشهد حَدَث پیش آمد، برود وضو بگیرد و برگردد سلام بدهد.اگر بعد از تشهد عمداً خود را بی وضو ساخت از نظر امام اعظم فرضیت آن نماز از وی ساقط می شود و نمازش ادا شده است. مسائل معروف دوازده گانه: ۱- اگر بعد از تشهد و قبل از سلام، تیمم کننده ای بر استفاده از آب توانایی حاصل کرد؛ ۲- یا کسی که قرائت یاد نداشت، سوره ای را آموخت؛ ۳- یا به برهنه ای که نماز را در حالت برهنگی می خواند، پارچه ای رسید؛ ٤- یا اشاره کننده ای بر رکوع و سجده توانایی حاصل کرد؛ ٥- یا مدت مسح موزه ها تمام شد؛ ٦- یا موزه ها را از طریق انجام عمل کم از پا بیرون کشید؛ ۷- یا صاحب ترتیبی نماز فوت شده ای به یادش آمد؛ ۸- یا شخص قاری کسی را که نمی داند چه بخواند (اُمی) جانشین خویش تعیین نمود؛ ۹- یا آفتاب در نماز فجر طلوع کرد؛ ۱۰- یا وقت ظهر نماز جمعه به پایان رسید؛ ۱۱- یا صاحب العذر از معذوریت خویش رهایی یافت؛ ۱۲- یا باند زخم بر اثر بهبودی زخم افتاد؛ در تمام صورتهای بیان شده از نظر امام اعظم؛ نماز باطل می شود، زیرا بیرون آمدن از نماز باید با عمل شخص نمازگزار باشد. و از نظر صاحبین باطل نمی شود. اگر کسی در حالت رکوع یا سجده بی وضو شد و خواست بر همان نماز بنأ کند، رکوع و سجده ای را که در آن بی وضو گردیده، اعاده نماید و اگر در حالت رکوع یا سجده، به یادش آمد که یك سجده از رکعت اول ترك گردیده یا سجده تلاوتی فوت شده، سجده فراموش شده را قضأ کند ولی اعاده این سجده هم مستحب است. آنچه نماز را فاسد می کند: سخن (گر چه سهواً یا در حال خواب در نماز باشد) نماز را فاسد می کند. همچنین درخواست چیزی که طلب آن از مردم ممکن باشد (مثل اینکه بگوید: خدایا به من زن، منزل یا فلان شیء را بده و امثال اینها) موجب فساد نماز می گردد. نیز نماز فاسد می‌شود با ناله کردن،

اوه، اف گفتن، گریستن با صدای بلند بر اثر درد مصیبت (نه از یاد دوزخ و عذاب خدا و نعمتهای بهشت). بدون عذر تنحنح کردن (گلو صاف کردن و صدا در آوردن از سینه). جواب عطسه گفتن یا جواب خبر دهنده را با «الحمدلله» و «إنا لله..» گفتن . یا جواب خبر تعجب آور را با «سبحان الله» یا «لاحول و لاقوة» گفتن. خلاصه: هر کلام یا سخنی که ربطی با نماز نداشته باشد، نماز را فاسد می کند. همچنین خوردن، آشامیدن، خواندن قرآن کریم از روی متن آن و انجام عمل زیاد نماز را فاسد می کند. عمل زیاد آن است که بیننده تصور کند وی در حال خواندن نماز نیست. اگر کسی روی نجاست سجده کرد نمازش فاسد می شود. غذایی که در لای دندانها وجود دارد اگر با زبان بیرون آورد و بخورد در صورتی که کمتر از یك نخود باشد نمازش فاسد نمی شود و اگر مقدار یك نخود یا اضافه بر آن باشد نمازش فاسد می شود. اگر به نوشته ای نگاه کرد و مفهومش را فهمید نمازش فاسد نمی شود و اگر با زبان تلفظ کرد نمازش فاسد می گردد. اگر بر روی زمین یا مکان مرتفعی نماز می گزارد و کسی از جلو عبور کرد نمازش فاسد نمی شود ولو اینکه عابر حیوان یا زن باشد. برای کسی که در محل عبور عابرین نماز می گزارد، مستحب است در مقابل ابروی راست یا چپ خود سُترَه ای به طول حدود نیم متر و ضخامت یك انگشت عموداً قائم کند و اگر ستره ای وجود نداشت و کسی از جلویش عبور کرد با تسبیح یا اشاره وی را دفع کند. آنچه در نماز مکروه است: ۱- بازی کردن در نماز با لباس یا بدن خویش در صورتی که منجر به عمل کثیر نشود. اگر عمل کثیر بیانجامد نماز فاسد می گردد. ۲- دفع سنگریزه ها یا هموار نمودن آنها از محل سجده در صورتی که سجده به راحتی انجام پذیرد. و اگر ادای سجده با مشقت باشد، یك یا دوبار به طوری که امکان سجده باشد، محل سجده را صاف کند. ۳- بازی کردن با انگشتان و به صدا در آوردن آنها و دست نهادن بر تهی گاه خود و به طرف راست و چپ خود نگاه کردن. و اگر در حالت نگاه کردن سینه اش از قبله منحرف شود نماز فاسد می شود. ٤- همیشه با لباسها متوجه و مشغول بودن و جمع نمودن آنها از هر سو تا خاك آلود نشوند، انداختن دستمال روی سر و دوش که دو طرف آن آویزان باشد. ٥- خمیازه، سرفه و تمطی (تکان دادن و بحرکت در آوردن بدن جهت رفع خستگی) بدون عذر. ٦- بستن چشمها در نماز (بلکه نظر سجده کننده بر محل سجده قرار داشته باشد) و جمع کردن موها بر بالای سر (بلکه سنت است که موها را در نماز به صورت آویزان بگذارد تا آنها هم به حالت سجده درآیند). ۷- ادای نماز در لباسی که مخصوص کار است ، یا لباس خواب ، یا با زیر پیراهنی و سر برهنه. ۸- خواندن نماز در محلی که تصویر جاندار در آن محل وجود داشته باشد، یا در لباسی که تصویردار باشد. ۹- شمردن تسبیحات و آیه ها با دست خویش. ۱۰- ایستادن امام در داخل محراب یا در محل مرتفعی که مردم پایین تر از او باشند. ۱۱- تنها ایستادن بیرون از صف در صورتی که داخل صف جای خالی باشد. و اگر جای نبود یك نفر را از داخل صف بیرون آورده، با هم بایستند. کشتن مار، کژدم در داخل نماز در صورت احساس خطر اشکالی ندارد ولو اینکه منجر به عمل کثیر شود. نماز وتر: بجز نمازهای پنجگانه طبق مذهب امام اعظم ؛؛، نماز وتر و نماز عیدالفطر وعید اضحی هم واجب هستند. نماز وتر سه رکعت است با یك سلام که در هر رکعت فاتحه و سوره خوانده شود، و پس از قرائت و قبل از رکوع، در رکعت سوم، دعای «قنوت» خوانده می شود، و این دعا همیشه باید خوانده شود. سنن و نوافل: خواندن دو رکعت قبل از نماز فجر و چهار رکعت قبل از جمعه و طبق نظر امام ابو یوسف؛؛ شش رکعت و چهار رکعت بعد از جمعه و بعد از مغرب دو رکعت و بعد از عشأ هم دو رکعت خوانده شود. ادای چهار رکعت بعد از نماز ظهر با دو سلام و قبل از نماز عصر دو رکعت یا چهار رکعت و بعد از مغرب چهار رکعت، مستحب است ، و بعد از عشأ هم چهار رکعت و بعد از وتر دو رکعت خواندن مستحب است. در رکعت اول سوره ی «زلزال» و در رکعت دوم سوره ی «کافرون» بخواند. نماز تراویح: در ماه مبارك رمضان بیست رکعت نماز تراویح با جماعت ادأ می شود، و هر دو رکعت با یك سلام خوانده می شود. در کل ماه مبارك رمضان در نماز تراویح یك بار ختم قرآن ثواب بسیار دارد، و در صورتی که مقتدیان اشتیاق بیشتری داشته باشند دو ختم، سه ختم هم سنت است . و بعد از هر چهار رکعت مقداری نشسته در ذکر خدا مشغول شود. نماز وتر فقط در رمضان پس از تراویح با جماعت خوانده می شود. در بقیه ی اوقات خواندن آن با جماعت مکروه است. باب الفوائت : برای قضای نمازهای فوت شده بهتر است مانند بقیه ی نمازها اذان و اقامه گفته شود و در صورتی که با جماعت قضأ آورده شود، در نمازهای جهری، جهر خواندن قرائت لازم است و اگر به صورت انفرادی می خواند قرائت آهسته خوانده شود. ترتیب در نمازها: ترتیب در میان نمازهای فوت شده و نمازهای حال حاضر که می خواهد بخواند، فرض است. پس اگر در حالی که نماز می خواند نماز فوت شده ای به یادش هست نماز وقتیه فاسد می شود. آنگاه اگر فائته را قضأ کرد قبل از اینکه دومین نماز وقتیه را ادا کند، فرضیت نماز وقتیه اولی باطل می شود و اگر قبل از قضأ نمودن نماز فائته، پنج نماز وقتیه ادا کرد، همه ی آن وقتیات فاسد می شوند البته فسادشان موقوف است. آنگاه اگر بعد از آن، وقتیه ی ششم را پیش از ادا کردن فائته ادأ کرد همه وقتیات صحیح می شوند. ترتیب بین نمازهای فائته و وقتیات با سه چیز ساقط می شود: یکی - به سبب تنگی وقت؛ دوم - به فراموشی؛ سوم - هنگامی که بر ذمه ی او شش نماز فائته ی جدید یا قدیم باشد. پس هر گاه فوائت را ادأ کند، ترتیب دوباره برگشت می کند و اگر شش نماز فوت شده را قضأ نکرد بلکه بعضی را قضأ نمود، طبق قول مُفْتَی بِهِ ترتیب دوباره عود نمی کند، تا زمانی که مجموع شش نماز را قضا نکند. اگر کسی به مدت یك شبانه روز دیوانه یا بیهوش شد، نمازهای فوت شده را بعد از سالم شدن قضا آورد و اگر از یك شبانه روز بیشتر بیهوش یا دیوانه شد، قضای نمازهای فوت شده لازم نیست. باب سجود السهو: سجده سهو با ترک واجب، یا به تاخیر انداختن واجب، یا با تاخیر انجام دادن فرض نماز، یا با افزودن چیزی در نماز از جنس نماز، یا با کم کردن در ارکان نماز، لازم می‌شود. طریقه ی سجده ی سهو این است که بعد از سلام دو سجده کند و تشهد، درود و دعا بخواند و به هر دو جانب سلام گوید. و اگر در یك نماز، واجبات متعددی سهواً ترک گردید، ادای یکبار سجده ی سهو کافی است. مسبوق به پیروی از امام، سجده ی سهو کند و اگر در بقیه ی نماز خود سهو رفت دوباره سجده ی سهو کند. حکم مریض : بیمار اگر توانایی ایستادن برای ادای نماز را ندارد یا خطر شدت مرض وجود دارد، بنشیند و با رکوع و سجده نماز گزارد، و اگر توانایی رکوع و سجده ندارد ولی توانایی ایستادن را دارد، بنشیند و برای رکوع و سجده اشاره کند و اشاره ی خود را برای سجده اندکی از اشاره ی رکوع پایین تر نماید، و اگر ایستاد و با اشاره نماز خواند نیز جایز است ، و اگر توانایی نشستن و اشاره کردن ندارد، بر پشت بخوابد و هر دو پاها را به سوی قبله دراز کند و با سر خویش اشاره کند،

و اگر بدین گونه هم توانایی ادای نماز را ندارد، نماز از وی ساقط می شود، و اگر در میان نماز بیماری شدت یافت یا در حال ادای نماز مریض شد، به هر نحوی که ممکن باشد نماز را به پایان برساند. اگر مریض در حالت نشستن با رکوع و سجده نماز می خواند و در میان نماز بر ایستادن توانایی حاصل کرد، بایستد و نماز را به پایان برساند، و از نظر امام محمد نماز را از نو آغاز کند، و اگر با اشاره نماز می خواند و در میان نماز بر رکوع و سجده توانایی حاصل کرد به اتفاق همه، نماز را از اول آغاز کند.

سجده ی تلاوت : سجده تلاوت بر تلاوت کننده و بر شنونده واجب است. و در چهارده جا در قرآن آمده است (آخر سوره اعراف، رعد، نحل، بنی اسرائیل، مریم، و سجده اول سوره حج، فرقان، نمل، الم تنزیل، ص، حم سجده، نجم، إذا السماء انشقت و اقرأ.) طریقه ی سجده آن است که : اول واجد شرایط نماز باشد سپس تکبیر گوید، و فوراً به طرف سجده رود، و در سجده تسبیح گوید، سپس تکبیرگویان سر خود را از سجده بردارد. این یك سجده ی تلاوت حساب می شود، و در سجده ی تلاوت تکبیر تحریمه، تشهد، سلام و قرائت وجود ندارد، خواندن سوره و ترك آیه ی سجده مکروه است، و بهتر است که آیه ی سجده را آهسته بخواند تا بر شنونده ها سجده لازم نگردد.

احکام سفر: کسی که از منتهای آبادی محله ی خویش به مسافت سه مرحله عزم سفر کند، مسافر است و نمازهای چهار رکعتی را قصر و دو رکعت بخواند، و اگر قصر نکرد و چهار رکعت کامل خواند و پس از دو رکعت اول قعده نمود، نمازش صحیح است و دو رکعت دیگر نفل حساب می شوند اما به علت سرپیچی از دستور خداوند متعال گنه‌کار می شود. و اگر بعد از دو رکعت قعده نکرد، نماز فرضی اش باطل می گردد و هر چهار رکعت نفل حساب می شوند و برای ترك واجب، سجده ی سهو لازم می گردد. آغاز و پایان حکم سفر: از زمان شروع سفر تا حین برگشت و ورود به وطن، حکم سفر همچنان باقی است و آخرین نقطه ی پایان حکم سفر همان شروع آبادیهای شهر یا محله است. اگر در شهر یا محله ای به مدت پانزده روز یا بیش از آن، نیت اقامت نمود، حکم سفر نقض و مقیم می گردد. نیت اقامت در بیابان، دشت و کوه اعتباری ندارد. اقسام وطن: وطن بر دو قسم است: «وطن اصلی» و «وطن اقامه» وطن اصلی به محل تولد و زادگاه ، و محل متأهل شدن می گویند، و وطن اقامه به محلی گفته می شود که: مسافر در آن محل، نیت اقامت ۱۵ روز یا بیش از آن را بکند و به آن، «وطن سفر» هم می گویند. وطن اصلی با وطن اصلی باطل می شود ولی با سفر و وطن اقامه باطل نمی شود، و وطن اقامه با وطن اقامه و وطن اصلی و وطن سفر باطل می شود. قضای نماز در سفر: نمازی که در حال مقیمی فوت شده و در سفر می خواهد قضا کند، چهار رکعت بخواند و نمازی که در سفر فوت گردیده همان حکم نمازهای سفر را دارد یعنی دو رکعت بخواند. سفر معصیت: سفر معصیت (سفری که برای انجام گناهی بیانجامد مانند قتل، دزدی، زنا، ...) از نظر امام اعظم و فقه حنفی حکم سفر در آن جاری می شود و آن شخص شرعاً مسافر است.

نماز جمعه: شرایط نماز جمعه: برای صحت ادای نماز جمعه و ساقط شدن فرض ظهر، از ذمه ی انسان، شش شرط وجود دارد: شرط اول: مصر، یعنی شهری که دارای حاکم و قاضی باشد ، یا فنای مصر . پس در روستاها و قریه هایی که واجد شرایط لازم نباشند، طبق مذهب حنفی اقامه ی نماز جمعه در آنها جایز نیست. شرط دوم: حضور سلطان (وجود پادشاه، رئیس جمهور وقت، در مملکت) یا نماینده ی او. شرط سوم: وقت ظهر. شرط چهارم: خواندن خطبه. شرط پنجم: جماعت که حداقل آن سه نفر است. شرط ششم: اذن عام (یعنی برای همه ی مردم اجازه ی ورود به مسجد جهت اقامه ی نماز باشد، و هر کس بخواهد بیاید مانعی نباشد). خطبه ی نماز جمعه: بر حسب قول و نظر صاحبین لازم است که خطبه مشتمل بر ذکر طویل دارای حمد و صلاة و تلاوت آیه هایی از قرآن کریم و توصیه ی مسلمانان ، و استغفار و دعا برای خود و اهل اسلام باشد. و از نظر امام اعظم خواندن یك تسبیح هم کفایت می کند ولی مکروه است و عمل بر قول صاحبین است. اگر در میان نماز همه ی مردم فرار کردند و تعداد لازم برای جماعت باقی نماند، نماز جمعة امام و بقیه فاسد می شود و دوباره باید نماز ظهر را بخواند. نماز جمعه بر کودك، برده (غلام)، مسافر، بیمار و نابینا واجب نیست و اگر غلام، بیمار، مسافر، نابینا در نماز جمعه شرکت کنند جایز است و نماز ظهر از آنها ساقط می گردد. امام شدن غلام، بیمار، مسافر در نماز جمعه صحیح است، و اگر گروهی از مسافرین، در شهر نماز جمعه اقامه کنند و در میان آنها هیچ فرد مقیمی وجود نداشته باشد، نماز آنها جایز و بلااشکال است.کسی که از محدوده ی شهر خارج است و اذان را می شنود نماز جمعه بر وی فرض و لازم است. کسی که معذور نباشد و قبل از ادای نماز جمعه، تنها در خانه اش نماز ظهر را اداً کند، ظهر او اداً می گردد اما با کراهت تحریمی، آنگاه اگر برای نماز جمعه حرکت کرد و امام هنوز از نماز فارغ نشده بود به محض حرکت وی ظهرش باطل می گردد. پس اگر نماز را دریافت فبها، وگرنه نماز ظهر را دوباره بخواند، و از نظر صاحبین اگر جمعه را نیافت ظهرش به محض حرکت باطل نمی شود. کسی که امام را در تشهد نماز جمعه یا در سجده ی سهو دریافت و به او اقتدأ نمود بعد از سلام امام با همان تحریمه نماز جمعه بخواند. هنگامی که اذان اول نماز جمعه گفته شد: رفتن به سوی مسجد واجب است و بجز آمادگی برای نماز، انجام هر نوع کار دنیوی حرام می گردد. وقتی امام برای خواندن خطبه برخیزد، حرف زدن، نماز خواندن، تا زمانی که از خطبه فارغ نشده ممنوع است (زیرا خطبه به منزله ی نماز است و باید سکوت کامل را اختیار نمود، و به خطبه گوش داد) و چون امام بر منبر بنشیند، اذان دوم، رو به روی او گفته شود و مردم به سوی او متوجه شوند. در نماز جمعه سنت است که سوره ی «جمعه» و «منافقون» و به روایتی «سبح اسم» و «هل أتی» خوانده شوند. در یك شهر خواندن نماز جمعه در مواضع متعدد جایز است (اما بهتر آن است که در هر شهر در یك مکان، نماز جمعه خوانده شود زیرا هم ثواب بیشتر دارد و هم وحدت و شکوه مذهبی و سیاسی مسلمانان حفظ می شود). باب العیدین: شرایط وجوب و ادای نماز عید مانند شرایط نماز جمعه است مگر اینکه در عید خطبه واجب نیست بلکه سنت است که بعد از نماز عید دو خطبه خوانده شود که مناسب آن عید، احکام صدقة الفطر، اضحیه، و تکبیرات تشریق بیان شوند. در روز عید فطر سنت است که قبل از بیرون شدن به سوی عیدگاه، چیزی بخورد و صدقه‌ی فطر ادا کند و غسل نماید، مسواك بزند و بهترین لباس را بپوشد و از عطر استفاده کند، سپس تکبیر گویان به طرف عیدگاه حرکت کند و آهسته تکبیر بگوید. وقت اقامه‌ی نماز عید بعد از بالا آمدن آفتاب به حدی که ضعف و کم نوری آن از بین برود تا قبل از زوال شرعی، می باشد. روش خواندن نماز عید: بدین طریق نماز بخواند: امام بعد از تکبیر تحریمه در رکعت اول سه تکبیر زواید بگوید، و با هر تکبیر دستها را بلند کرده، بعد از تکبیرات و ثنأ، قرائت خوانده، رکوع و سجده کند، و در

رکعت دوم بعد از قرائت و قبل از رکوع سه تکبیر زواید دیگر بگوید، و با هر تکبیر دستها را بلند کند، سپس با تکبیر چهارم رکوع کند و این شش تکبیر در نماز عید واجب هستند و به آنها «تکبیرات زواید» می گویند. اگر کسی با امام نماز عید را نیافت، قضا لازم نیست. و اگر به موجب عذری نماز عید در روز اول از امام و مقتدیها فوت گردید، نماز عید فطر را روز دوم با جماعت و عید اضحی را تا روز سوم می توانند ادا کنند. طریقه ی ادای نماز عید اضحی مانند عیدالفطر است، مگر در عید اضحی مستحب است که قبل از نماز چیزی نخورد بلکه بعد از نماز، از اضحیه ی خویش بخورد و قربانی کردن قبل از نماز برای کسانی که در محل آنها نماز عید خوانده می شود جایز نیست. در مسیر راه به سوی عیدگاه تکبیرات با صدای بلند گفته شوند. تکبیر تشریق: در محلی که نماز جمعه و عید خوانده می شوند بعد از نماز صبح روز عرفه تا عصر روز سیزدهم طبق نظر صاحبین و تا عصر روز عید طبق نظر امام ابو حنیفه تکبیرات تشریق خوانده شوند، و قول مفتی به، قول صاحبین است. و تکبیر تشریق، یکبار با صدای بلند خوانده شود، تکبیر تشریق این است: «الله أكبر، الله أكبر، لا إله إلا الله والله أكبر، الله أكبر، ولله الحمد» و اگر امام تکبیر تشریق را ترک کرد مقتدیها باید بخوانند. نماز کسوف: وقتی آفتاب را کسوف (یعنی گرفته) شد، سنت است که امام جمعه دو رکعت نماز با جماعت و قرائت طولانی بخواند، و رکوع و سجده را هم طولانی کند، و بعد از نماز به ذکر و دعا مشغول شود تا آفتاب روشن گردد، و اگر جماعت میسر نشود، هر کس به صورت جداگانه نماز بخواند. همچنین در خسوف، (گرفته شده مهتاب) زلزله ، و طوفان شدید، مردم به صورت انفرادی باید نماز بخوانند و درخواست رفع آن حالت را بکنند.

باب استسقاء (طلب باران): پیامبر اکرم ﷺ برای استسقا (طلب باران) گاهی فقط دعا می کردند، و گاهی در خطبه های نماز جمعه دعا می نمودند. خلیفه ی دوم حضرت عمر فاروق اعظم رضی الله عنه برای طلب باران بیرون می رفتند و فقط استغفار می کردند، لذا طبق مذهب حنفی برای طلب باران، نماز سنت مؤکده نیست بلکه استسقا فقط به دعا و استغفار گفته می شود، و اگر به صورت نماز هم خوانده شود اشکالی ندارد. نماز با جماعت از نبی اکرم ﷺ با روایت صحیح در استسقا ثابت شده است، بنابراین صاحبین و اکثر علماً قائل براین اند که : امام با مردم به عیدگاه یا صحرا بیرون رفته دو رکعت نماز با جماعت بخوانند و قرائت جهراً خوانده شود و بعد از نماز مانند عید دو خطبه خوانده شود که مشتمل بر حمد و ثنا و استغفار و دعای منقول استسقاً باشد و آن دعا این است: «اللّٰهُمَّ أَسْقِنَا غَيْثاً مُغِيثاً مَرِيئاً مَرِيعاً، نَافِعاً غَيرَ ضَارٍّ، عَاجِلاً غَيرَ آجِلٍ» . آنگاه فقط امام شال خویش را به عنوان نیك فالی قلب نماید.

باب الجنائز: به یاد آوردن مرگ و همراه داشتن وصیت نامه ای مشتمل بر آنچه وصیت به آن مستحب است. هنگامی که مسلمانی مُحتضَر شد (در حال مرگ قرار گرفت) به شهادتین (کلمه ی طیبه لا إله إلا الله محمد رسول الله) تلقین شود، و سوره‌ی یس بر وی خوانده شود و چون بمیرد صورتش را بپوشانند و در دفن او عجله کنند. نحوه‌ی غسل میت : هنگامی که بخواهند میت را غسل دهند ابتدا بر همان محل غسلش که تخته یا چیز دیگری باشد خوشبو بمالند سپس لباسهایش را درآورده، عورتش رابپوشانند، اگر نجاستی وجود داشت آن را پاك كنند و وضویش بدهند، بدون اینکه مضمضه و استنشاق داده شود، آنگاه با آب گرم غسل دهند، و سر و ریشش را با شامپو و بقیه ی بدنش را با صابون، پاك و نظيف کنند. ابتدا بر پهلوی چپ سپس بر پهلوی راست بخوابانند، و آب بریزند، سپس تکیه اش بدهند و شکمش را آهسته ماساژ دهند، و اگر چیزی بیرون آید پاك كنند ولی برگرداندن غسل ضروری نیست، آنگاه با حوله ای خشك کرده، بر سر و ریشش خوشبو (مانند عطر، گلاب، ادکلن و غیره) بزنند و بر اعضای سجده اش کافور بمالند. نحوه ی تکفین میت: میت را این گونه کفن کنند: برای مرد کفنی تا نصف ساق درست می کنند که آن را «قمیص» می گویند، و دو کفن دیگر از سر تا پا که آنها را «ازار» و «لفافه» گویند، و مرد را سه کفن سنت است. و در حدیث روایت شده که پیامبر اکرم ﷺ را در سه چادر کفن کردند. بستن عمامه یا دیگر شیء اضافه بر میت جایز نیست. اگر سه کفن میسر نشود پس هرچند که به دست آمد، در همانها کفن کنند، زیرا حضرت حمزه رضی الله عنه عموی پیامبر ﷺ را در يك چادر کفن کردند، آن هم کفایت نمی کرد اگر سرش را می پوشانیدند پاهایش ظاهر می شد و اگر پاهایش را می پوشانیدند سرش ظاهر می شد، در آخر، رسول گرامی ﷺ فرمودند: «سرش را بپوشانید و روی پاهایش مقداری گیاه بریزید» چنان که به همین صورت عمل شد. زن را پنج کفن سنت است ، دو کفن دیگر که با یکی سینه اش را تا زانو می پوشانند و با دیگری موهای سرش را جمع کرده می بندند و روی سینه می گزارند. غسل دادن مسلمان، کفن کردن و نماز جنازه بر وی گزاردن و دفن کردن، فرض کفایی است. بدون غسل و کفن، نماز جنازه صحیح نیست. برای امامت در نماز جنازه اولاً سلطان یا رئیس جمهور مستحق است ، ثانياً امام جمعه و امام محله، ثالثاً نزدیك ترین ولی میت. طریقه ی ادای نماز جنازه: نماز جنازه دارای چهار تکبیر است اول نیت کند، سپس تکبیر گوید، بعد از تکبیر اول ثنا خوانده شود، و بعد از تکبیر دوم درود بر پیامبر اکرم ﷺ، و بعد از تکبیر سوم این دعا را برای میت و جمیع مسلمانان بخواند: «اللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِحَيِّنَا، وَمَيِّتِنَا، وَشَاهِدِنَا، وَغَائِبِنَا، وَصَغِيرِنَا، وَكَبِيرِنَا وَذَكَرِنَا، وَأُنْثَانَا، اللّٰهُمَّ مَنْ أَحْيَيته مِنَّا فَأَحْيِهِ عَلَى الْإِسْلَامِ، وَمَنْ تَوَفَّيته مِنَّا فَتَوَفَّهُ عَلَى الْإِيمَانِ. اللّٰهُمَّ لَا تَحْرِمْنَا أَجْرَهُ، وَلَا تُضِلَّنَا بَعْدَهُ» . (در صورتی که جنازه زن باشد به جای ضمیر مذکر ضمیر مؤ نث بیاورد). بر جنازه ی کودك این دعا خوانده شود: «اَللّٰهُمَّ اجعَلهُ لَنَا فَرَطاً، اَللّٰهُمَّ اجعَلهُ لَنَا أَجراً وَّ ذُخراً اَللّٰهُمَّ اجعَلهُ لَنَا شَافِعاً مُشَفَّعاً» . پس از تکبیر چهارم سلام گوید. اگر کسی بعد از اینکه امام چند تکبیر گفته بود، به نماز حاضر شد، منتظر تکبیر دیگر امام شود آنگاه با امام تکبیر گوید، و پس از اینکه امام سلام گفت، تکبیرات فوت شده را قضاً کند. نماز جنازه باید در حالت ایستاده و رو به قبله خوانده شود. خواندن نماز جنازه در داخل مسجد مکروه است. خواندن نماز جنازه بر میت غائب یا کسی که کمتر از نصف اعضای بدنش موجود است، روا نیست. اگر کودکی از دارالحرب اسیر شد، یا بدون اجازه ی والدین خود مسلمان شد و یا یکی از والدینش مسلمان شد، سپس آن کودك وفات کرد، در هر سه صورت، نماز جنازه بر وی خوانده شود. سنت است که چهار نفر تابوت جنازه را حمل نموده، آهسته حرکت کنند، و بقیه ی مردم به دنبال جنازه در حرکت باشند، تا زمانی که جنازه بر زمین گذاشته نشده، مردم ننشینند. همچنین کندن لحد در قبر و گذاشتن میت از جانب قبله داخل قبر سنت است. هنگام گذاشتن این دعا را بخوانند: «بِسْمِ اللهِ وَعَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللهِ» . رویش را به جانب قبله مایل کنند، سپس لحد را با خشت خام یا نَی ببندند و قبر را به صورت «مُسَنَّم» (کوهان مانند)

در آورند. استفاده از آجر، سیمان و آهك، در قبر مکروه است. اگر میت دفن شد و نماز جنازه بر وی خوانده نشد، تا مدت سه روز پس از دفنش خواندن نماز جنازه بر قبرش جایز است بیش از سه روز جایز نیست. احکام شهید: کسی که توسط کفار یا باغی ها یا به دست قطاع الطریق (راهزنها) کشته شود یا در میدان کارزار مسلمین با کفار یافته شد، و بر وی اثر قتل ظاهر بود، یا از دست مسلمانی ظلماً و عمداً به قتل رسید و قبل از مردن برای معالجه، خوردن، آشامیدن، وصیت کردن، فرصتی نیافت ، و پس از مجروح شدن تا حدی که نمازی بر وی فرض شود، زنده نماند، چنین فردی «شهید» نامیده می شود و در صورتی که کودك، یا جنب، یا زن حائضه، یا دیوانه نباشد، غسل داده نمی شود و با همان لباسهایش دفن شود. اگر این شروط یافت نشود و با مظلومیت به قتل رسیده بود، حق شهید اخروی دارد، یعنی از نظر اجر و پاداش شهید است اما از نظر احکام دنیوی غسل داده و کفن می شود. اگر کسی در حد شرعی یا بطور قصاص به قتل رسید، شهید نیست، غسل داده شود و نماز جنازه بر وی بخوانند. اگر راهزن یا باغی به قتل رسید، غسلش بدهند و کفن کنند، نماز جنازه بر وی نخوانند.

کتاب الزکاة

زکات بر هر فرد مسلمان، عاقل، بالغ، که مالك نصاب باشد و آن نصاب اضافه بر مایحتاج روزمره ی زندگی و قرض هایش باشد و آن نصاب «نَامِی» هم باشد و یك سال تمام بر آن بگذرد، واجب است. «مال ضِمَار» یعنی مالی که گم شده یا در دریا افتاده یا کسی آن را غصب کرده و صاحب مال بر آن گواه ندارد و از دریافت آن عاجز است، یا در جایی دفن نموده که محلش معلوم نیست، یا به کسی قرض داده و مقروض منکر است و گواه هم موجود نیست، یا دولت آن را مصادره کرده، در چنین مالی زکات واجب نیست ، و اگر زمانی مال فوق به دست آمد، زکات سالهای گذشته واجب نمی شود. اگر به شخصی قرض داده که اعتراف می کند ولی مُفلِس است یا گواه موجود است یا اموال در خانه دفن و پنهان شده اند، آنگاه به دست آمده اند، در چنین صورتهایی زکات سالهای گذشته واجب می شود و باید بپردازد. اگر کسی بر مردم قرض دارد و زکات آن قرضها را قبل از قبض دیون اداء کرد صحیح است و اگر زکات آنها را ادا نکرد تا وقتی که به دست آورد، باید زکات سالهای گذشته را بدهد.

نیت در زکات: نیت ادای زکات باید همراه با وقت ادا یا جدا کردن مقدار زکات از بقیه ی مالها باشد. اگر کسی همه ی اموالش را در راه خدا صدقه کرد، زکات از وی ساقط می شود. کامل بودن نصاب زکات در اول و آخر سال معتبر است وسط سال اعتباری ندارد.

باب صدقة السوائم: «سَوائِم» یعنی : گوسفند، شتر و گاو که اغلب سال در بیابان می چرند اگر به حد نصاب برسند زکات لازم است. فصل در زکات شتر: نصاب شتر ۵ شتر است که یك سال کامل بر آنها بگذرد و اغلب سال را در بیابان چریده باشند. یك گوسفند زکات در آنها لازم می شود، و از ده شتر دو گوسفند، از۱۵ شتر سه گوسفند، از بیست شتر چهار گوسفند، از بیست و پنج شتر یك بچه شتر یك ساله واجب می شود. در این باره به جدول ذیل توجه شود . از ۹ -۵ ... یك رأس گوسفند یك ساله؛ از۱۴ -۱۰ ... دو رأس گوسفند یك ساله؛ از۱۹ -۱۵ ... سه رأس گوسفند یك ساله؛ از۲۴ -۲۰ ... چهار رأس گوسفند یك ساله؛ از۳۵ -۲۵ ... یك بچه شتر یك ساله (بنت مخاض)؛ از۴۵ -۳۶ ... یك بچه شتر دو ساله (بنت لبون)؛ از۶۰ -۴۶ ... یك بچه شتر سه ساله (حقه)؛ از۷۵ -۶۱ ... یك بچه شتر چهار ساله؛ از۹۰ -۷۶ ... دو نفر شتر دو ساله؛ از۱۲۴ -۹۱ ... دو نفر شتر سه ساله؛ از۱۲۹ - ۱۲۵ ... دو نفر شتر سه ساله و یك رأس گوسفند؛ از۱۳۴ - ۱۳۰ ... دو نفر شتر سه ساله و دو رأس گوسفند؛ از۱۳۹ - ۱۳۵ ... دو نفر شتر سه ساله و سه رأس گوسفند؛ از۱۴۴ - ۱۴۰ ... دو نفر شتر سه ساله و چهار رأس گوسفند؛ از۱۴۹ - ۱۴۵ ... دو نفر شتر سه ساله و یك بچه شتر یك ساله؛ از۱۵۴ - ۱۵۰ ... سه نفر شتر سه ساله؛ از۱۵۹ - ۱۵۵ ... سه شتر سه ساله و یك رأس گوسفند؛ از۱۶۴- ۱۶۰ ... سه شتر سه ساله و دو رأس گوسفند؛ از۱۶۹ - ۱۶۵ ... سه شتر سه ساله و سه رأس گوسفند؛ از۱۷۴ - ۱۷۰ ... سه شتر سه ساله و چهار رأس گوسفند؛ از۱۸۵ - ۱۷۵ ... سه شتر سه ساله و یك بچه شتر یك ساله؛ از۱۹۵ - ۱۸۶ ... سه شتر سه ساله و یك بچه شتر دو ساله؛ از۲۰۴ - ۱۹۶ ... چهار شتر سه ساله یا پنج شتر دو ساله؛ در جدول فوق طرح چگونگی ادای زکات در شترها از۱۵۰ تا آخر، به شرح ذیل بیان شد: که بعد از۱۵۰ شتر در هر پنج شتر یك گوسفند لازم است، سپس از ۱ تا ۳۵ یك بچه شتر یکساله و از۳۶ تا۴۵ یك شتر دو ساله و از۴۶ تا۵۰ یك شتر سه ساله لازم می شود سپس طبق روش بیان شده از هر پنج شتر یك گوسفند الخ بدینگونه تا هزارها شتر طرح زکات برای ما مشخص می شود. گوسفند باید یك سال تمام بر او بگذرد و نر و ماده مساوی اند یعنی مجاز است که گوسفند نر بدهد یا ماده. هر جا که چهار شتر سه ساله واجب می شود در عوض آنها می تواند پنج شتر دو ساله بدهد. شتری که زکات می دهد باید حتماً شتر ماده باشد دادن شتر نر جایز نیست ، مگر اینکه شتر نر و ماده قیمت شوند و در صورت اضافه شدن قیمت شتر ماده از نر اگر بخواهد نر بدهد، یا به تفاوت قیمت را همراه با شتر نر زکات بدهد. طرح مذکور فقط در صورتی واجب الإجرأ است که شترها برای دامداری باشند و چنانچه برای تجارت باشند زکات در جمع قیمت آنها با بقیه ی سرمایه لازم می شود. فصل در زکات گاو: گاو اگر به تعداد سی رأس برسند که اغلب سال را در بیابان بچرند و برای دامداری باشند نه برای خرید و فروش به شرح ذیل در آنها زکات لازم است. مقدار نصاب ... مقدار واجب در آن؛ از۳۹ - ۳۰ ... یك رأس گوساله یکساله، نر یا ماده (تبیع یا تبیعة)؛ از۵۹ - ۴۰ ... یك رأس گوساله دو ساله؛ از۶۹ - ۶۰ ... دو رأس گوساله یك ساله؛ از۷۹ - ۷۰ ... یك رأس گوساله یکساله و یك رأس دو ساله؛ از۸۹ - ۸۰ ... دو رأس گوساله دو ساله؛ از۹۹ - ۹۰ ... سه رأس گوساله یکساله؛ از۱۰۹ - ۱۰۰ ... دو رأس گوساله یك ساله و یك رأس دو ساله؛ از۱۱۹ - ۱۱۰ ... دو رأس دو ساله و یك رأس یك ساله؛ آنگاه در هر ده گاو، مقدار واجب از یك ساله به دو ساله تبدیل می شود. فصل در زکات گوسفند: نصاب گوسفند چهل رأس است، یعنی: اگر چهل رأس گوسفند باشد که یك سال بر آنها بگذرد و اغلب سال در بیابان بچرند یك رأس در آنها زکات لازم است تا۱۲۰ رأس و از۱۲۱ رأس دو رأس تا۲۰۰ رأس، و از ۲۰۱ رأس سه رأس تا چهارصد رأس ، آنگاه از هر صد رأس گوسفند یکعدد گوسفند زکات لازم است. زکات اسب: اگر اسب‌ها اغلب سال را در بیابان بچرند و برای دام‌داری باشند، نزد امام ابوحنیفه: صاحب آن‌ها اختیار دارد که در عوض هر اسب یک دینار بپردازد، یا آن‌ها را قیمت‌گذاری کند و در مقابل هر دویست درهم، پنج درهم پرداخت

کند. و نزد صاحبین: در اسب زکات نیست و قول راجح همین است. زکات طلا و نقره: نصاب نقره دویست درهم «یعنی ۶۱۲ گرم» یا قیمت آن به نرخ روز و طلا بیست مثقال «یعنی ۸۷ گرم» می باشد. اگر طلا و نقره مغشوش باشند (یعنی با آنها فلز و غیره آمیخته باشد) حکم طلا و نقره ی خالص دارند، و اگر اغلب در آنها فلز و غیره باشد، حکم عروض و اسباب تجارت دارند. زکات اموال تجاری: کالاهای تجاری که قصد و نیت خرید و فروش در آنها باشد به ارزش نصاب طلا یا نقره برسند زکات در آنها لازم می شود و در هر شهر و محله ای که باشند نرخ و قیمت همان شهر معتبر است. اموال تجارت هنگام ادای زکات به نرخ فروش روز باید قیمت گذاری شوند.

باب المعادن: اگر کسی معدنی از طلا، نقره، آهن، مس و غیره در بیابان یافت یك پنجم آن متعلق به حکومت اسلامی است و باقیمانده متعلق به یابنده است. در صورتی که زمین ملك کسی نباشد، و اگر زمین مملوك است چهار قسمت آن متعلق به مالك است، و اگر در خانه ی خویش چنین معدنی یافت از نظر امام اعظم خُمس در آن لازم نیست و از نظر صاحبین لازم است.

زکات کشت‌زارها و میوه‌ها: نزد امام ابوحنیفه در تمام محصولات زمین به غیر از نی، هیزم و کاه، چه به وسیله آب باران آب‌یاری شوند و چه به وسیله آب جاری، عشر لازم می‌گردد، نزد صاحبین: فقط در محصولاتی زکات لازم می‌شود که پایداری بیشتری داشته باشند، مثل: گندم و ... آن هم در صورتی که به اندازه شصت صاع برسند. و در سبزیجات نزد صاحبین عشری لازم نمی‌گردد زیرا پایداری آن‌ها کم است و زود فاسد می‌شوند. اما محصولاتی که به وسیله دلو بزرگ، یا گاو و شتر آب‌یاری شوند در آن‌ها به سبب مشقت زیاد، نصف عشر لازم می‌شود، طبق اختلافی که بین امام و صاحبین بود، یعنی نزد امام ابوحنیفه مطلقا نصف عشر لازم می‌شود و نزد صاحبین در صورتی که همان دو شرط قبلی یافته شوند نصف عشر لازم می‌شود. (۱- پایدار باشند ۲- به اندازه شصت صاع برسند).

عسل و نی‌شکر: در عسل و نی‌شکر نزد امام ابوحنیفه مطلقا عشر لازم می‌شود هر اندازه که باشد چه کم چه زیاد. نزد امام ابویوسف: سه قول از ایشان روایت شده: ۱- ارزشش به اندازه شصت صاع برسد. ۲- در روایتی به اندازه ۱۰ قِرَب (هر قِربی ۵۰ مَنْ است) برسد. ۳- در روایتی به ۵ مَنْ برسد. نزد امام محمد: به اندازه ۵ فَرَق (هر فَرَقی ۳۶ رطل است) برسد. مصارف زکات: کسی که مسکن، نفقه، اسباب و وسایل مورد احتیاج (به قدر وسع و توانایی خودش) لوازم اضافه بر حاجت، طلا، نقره، اموال تجارت، وجه نقد و غیره که مجموع کل آنها معادل قیمت ۶۱۲ گرم نقره که به نرخ روز قیمت شوند، برسد، داشته باشد برای او گرفتن زکات و دادن زکات به او جایز نیست و اگر کمتر از مقدار فوق داشته باشد مستحق زکات است. اصل در این مورد این آیه مبارکه است: {إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسَاكِينِ وَالْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَالْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ وَفِي الرِّقَابِ وَالْغَارِمِينَ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَابْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةً مِنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ} [التوبة: ۶۰]، که مؤلفة قلوبهم از این مجموعه ساقط شده و به بقیه دادن زکات جایز است، نزد امام شافعی باید از هر گروه به سه نفر بپردازد و دادن زکات فقط به یک گروه نزد ایشان جایز نیست. ساختن مساجد، مدارس، تکفین میت، ادای قرض میت، ساختن پل، حفر چاه، راه سازی، و هر چیزی که در آن تملیك نیست از مال زکات، جایز نیست. دادن زکات به فقیر غیر مدیون بیش از حد نصاب، یا زکات را از یك شهر و محله به دیگر شهر و محله ای منتقل کردن ، مکروه است مگر اینکه در آن شهر خویشاوندان و فامیل او باشند یا محتاج تری وجود داشته باشد. آنگاه مستحب است به آنجا ببرد. هر کس طعام و غذای یك روز را داشته باشد سؤ ال کردن برای خودش حرام است. گرفتن زکات برای بنو هاشم جایز نیست و آن‌ها عبارتند از: آل علی، آل عباس، آل جعفر، آل عقیل، آل حارث بن عبدالمطّلب و غلام‌ها و کنیزهایشان. صدقه ی فطر: صدقه فطر بر هر فرد مسلمان، عاقل بالغ که مالك نصاب باشد و آن نصاب زاید بر دیون و حوائج اصلیه او باشد، واجب است و أضحیه هم بر چنین فردی لازم می شود. صدقه ی فطر را از طرف خود و خانواده‌ی خویش اداء نماید و وجوب و ادای آن بعد از طلوع فجر روز عید تا قبل از نماز عید است ، و اگر قبل از آن روز در ماه رمضان ادا کرد جایز است. پس کسی که قبل از طلوع فجر روز عید بمیرد، یا بعد از صبح متولد و یا به اسلام مشرف شود، صدقه ی فطر بر او واجب نیست. مقدار صدقه ی فطر: مقدار صدقه ی فطر نصف صاع از گندم (۲/۲۵۰) کیلوگرم یا قیمت معادل آن است. یا یك صاع کامل از خرما و جو بدهد. مستحق گرفتن صدقه ی فطر کسی است که استحقاق گرفتن زکات را داشته باشد، و دادن صدقه ی فطر به امام مسجد به عنوان حقوق ولو اینکه فقیر هم باشد، جایز نیست.

کتاب الصوم

شرط ادای آن، نیت و پاك بودن از حیض و نفاس است . انواع روزه: روزه بر شش قسم است: قسم اول: روزه ی ماه مبارك رمضان؛ قسم دوم: روزه ی قضاء؛ قسم سوم: روزه ی نذر معین؛ قسم چهارم: روزه ی نذر غیر معین؛ قسم پنجم: روزه ی کفاره؛ قسم شش: روزه ی نفل. روزه ی ماه رمضان با هر نیتی ادا می شود، مثلاً اگر کسی نیت روزه ی مطلق یا نیت نفل و غیره کرد، نیت وی اعتباری ندارد و به جای روزه ی رمضان واقع خواهد شد. مگر اینکه کسی مسافر یا معذور باشد می تواند در آن روزها نیت روزه ی قضا یا کفاره کند. اما صاحبین (امام ابو یوسف و امام محمد (رحمهماالله) می گویند: در هر صورت هر نیتی بشود، روزه ی رمضان به جای آن حساب می شود.

نذر معین با نیت مطلق و نیت نفل اداً می شود، و اگر نیت واجب دیگری کرد، به جای همان واجب حساب می شود. روزه ی نفل با مطلق نیت ادا می شود و برای نذر غیر معین، قضا و کفاره تعیین نیت شرط است. نیت روزه: وقت نیت روزه از غروب آفتاب تا طلوع صبح صادق است ، و نیت روزه ی رمضان و نذر معین و نفل تا قبل از زوال آفتاب هم صحیح است. نیت قضا، کفاره و نذر معین بعد از طلوع جایز نیست. اگر شخصی در شب اول ماه رمضان نیت روزه کرد، سپس در وسط ماه رمضان چند روزی دیوانه شد و با همان حالت دیوانگی، آن روزها را روزه گرفت، آن روزهایی که دیوانه بوده قضا کند، زیرا نیت وجود نداشته و اگر تمام ماه رمضان دیوانه شد روزه ساقط می گردد و بعدا قضا لازم نیست . اگر یك لحظه به هوش آمد باز تا آخر ماه دیوانه شد، فقط قضای روزهای قبل از به هوش آمدن را به جای آورد. رؤ یت ماه : روزه ی رمضان با رؤیت ماه رمضان یا با تمام شدن سی روز شعبان واجب می شود و برای رؤیت ماه رمضان در صورتی که مَطلَع ابر آلود یا دارای گرد و غبار

باشد، شهادت یك مرد یا یك زن عادل کافی است. برای رؤیت ماه شوال (عید فطر) در صورتی که مَطلَع صاف باشد لازم است جمع بزرگی ماه را مشاهده کنند آنگاه شهادت آنان مورد قبول واقع می شود. اگر شخصی ماه رمضان یا شوال را با چشم خویش مشاهده نمود ولی قاضی شهادت او را قبول نکرد، افطار برای او جایز نیست بلکه روزه بگیرد و اگر افطار کرد قضا لازم می شود، نه کفاره. روزه ی روز شك: روزه گرفتن (یوم الشك) مکروه است، یعنی سی ام شعبان که به لحاظ عدم رؤ یت ماه، مشکوك است که این روز از شعبان است یا از رمضان، مگر برای کسی که همیشه اواخر هر ماه روزه می گیرد و این روز با همان روزهایی که در آنها روزه نفلی می گرفته موافق شود، در چنین صورتی روزه گرفتن نفلی اشکالی ندارد، ولی اگر بعداً ثابت شد که آن روز از روزهای رمضان بوده، به جای یك روز رمضان واقع می شود و لو اینکه نیت نفل یا واجبی دیگر کرده باشد. موارد وجوب قضا و کفاره: اگر کسی در ماه مبارك رمضان در حالت روزه عمداً جماع کرد یا عمداً غذا و دوا خورد یا آب آشامید، روزه اش فاسد می شود و بر وی قضا و کفاره لازم می گردد. برای کفاره باید غلامی آزاد کند یا شصت روز متوالی روزه گیرد. ماه هایی را برای روزه گرفتن انتخاب کند که در وسط آنها ماه رمضان، ایام تشریق و عیدین نباشند. اگر در طی دو ماه چند روز را روزه نگرفت،آن روزها از نظر کفاره باطل می شوند و برای کفاره از نو شصت روز باید روزه گیرد مگر عذر حیض. اگر استطاعت روزه گرفتن ندارد به شصت مسکین طعام دهد یا به مسکینی نصف صاع (۲/۲۵۰) کیلوگرم گندم یا قیمت آن را بپردازد. اگر روزه ی قضا یا کفاره یا نذر را فاسد کرد، کفاره لازم نمی شود. اگر در یك رمضان روزه ی چند روز را فاسد کرد، در صورتی که برای روز اولی یا دومی کفاره نداد، برای همه یك کفاره کافیست ، و اگر کفاره داده بود فقط از روزهای گذشته کفاره واقع می شود و برای بعدی ها جدیداً کفاره دهد. اگر کفاره از دو رمضان بر وی لازم بود، کفاره ی هر رمضان را جداگانه بپردازد. موارد وجوب قضا: اگر کسی جبراً افطار کرد، یا حقنه شد؛ یا در گوش و بینی اش دارو چکانیده شد؛ یا در زخم شکم یا زخم سر، دارو چکانیده شد و دارو به جوف دماغ رسید؛ یا خاك، سنگریزه یا چیزی که با آن تغذ ی و تداوی نمی شود، فرو برد؛ یا عمداً به مقدار پری دهان استفراغ نمود؛ یا به گمان اینکه هنوز شب است سحری خورد، سپس معلوم شد که فجر طلوع کرده؛ یا به گمان اینکه آفتاب غروب کرده، افطار نمود و حال آنکه آفتاب غروب نکرده؛ یا به فراموشی غذا خورد و گمان کرد روزه اش باطل شده سپس عمداً غذا خورد؛ یا به حلق کسی که خواب بود آب ریخته شد؛ یا با زنی در حال خواب یا بیهوشی یا دیوانگی جماع شد؛ در همه ی این صورتها فقط قضای آن روز واجب است نه کفاره. همچنین اگر در رمضان نه نیت روزه کرد و نه نیت افطار و از مفطرات روزه چیزی از او به وقوع نپیوست فقط قضا لازم می شود. موارد عدم وجوب قضا: اگر در حال فراموشی از روزه، غذا خورد یا آب آشامید یا جماع کرد، روزه اش فاسد نمی شود و قضا هم لازم نیست. همچنین از احتلام و انزال با شهوت و استعمال روغن بر بدن و مصرف سرمه در چشم و غیبت کردن و حجامت و استفراغ بدون قصد و اختیار یا استفراغ عمدی که از پری دهان کمتر باشد و رفتن آب در گوش، از همه ی اینها روزه فاسد نمی شود. اگر در آلت تناسل روغن یا چیز دیگری چکانید روزه فاسد نمی شود. اگر با زنی که مرده است، یا در غیر سبیلین، یا با حیوانی جماع کرد، یا از زن بوسه گرفت یا با شهوت لمس نمود، اگر انزال شد روزه فاسد و قضا لازم می شود، و اگر انزال نشد روزه فاسد نمی شود. غذایی که در خلال دندانها وجود داشت اگر با دست بیرون آورد و خورد روزه اش فاسد می گردد، و اگر با زبان بیرون آورد، در صورتی که از مقدار نخود کمتر باشد روزه فاسد نمی شود، و اگر مقدار نخود باشد، روزه فاسد و قضا لازم می آید. و اگر دانه کنجدی یا مقدار آن را در دهان انداخته فرو برد، روزه فاسد می شود. اگر جوید بطوری که در دهان متلاشی شد، فاسد نمی شود. چشیدن و جویدن چیزی بدون عذر مکروه است، و جویدن غذا برای کودك در صورت ضرورت جایز است. مضمضه، استنشاق، غسل نمودن و پارچه ی تر استفاده کردن برای دفع گرمی، مکروه است زیرا بر بی تحملی و بی صبری روزه دار دلالت می کند و این ممنوع است. اگر در شب جنب شد و تا صبح با همان حالت باقی ماند روزه صحیح است، لیکن مستحب آن است که قبل از طلوع فجر غسل کند.

علما اتفاق نظر دارند که روزه از دروغ گفتن، غیبت کردن و فحش گفتن، فاسد نمی شود ولی شدیداً مکروه و از ثواب آن کاسته می شود و به قدری گناه دارد که امام اوزاعی می گوید: روزه ی او بطور کلی باطل می شود، زیرا که رسول اکرم ﷺ فرموده اند: «هر کس دروغگویی را ترك نکرد و از معصیتها باز نیامد، خداوند متعال نیازی به روزه ی وی ندارد». یعنی روزه اش مقبول بارگاه خداوند نیست. پس شایسته است که شخص روزه دار خودش را از تمام منکرات گناهان باز نگهدارد تا در روزه اش خللی وارد نشود. اعتکاف: اعتکاف ده روز آخر ماه رمضان در مسجد سنت است ، و اگر کسی اعتکاف نذر کرد، اعتکاف بر او واجب می شود و در اعتکاف واجب روزه شرط است ، ولی در اعتکاف نفلی روزه لازم نیست. اقل مدت اعتکاف از نظر امام اعظم یك روز است ، و از نظر امام ابویوسف اکثر روز، و از نظر امام محمد یك ساعت هم اعتکاف صحیح است. آنچه برای معتکف جایز و یا غیر جایز است: بیرون آمدن معتکف از مسجد صحیح نیست مگر برای قضای حاجت یا غسل و وضو و نماز جمعه و اگر برای نماز جمعه به مسجدی دیگر رفت به محض اینکه نماز تمام شد باید برگردد و اگر آنجا درنگ کرد اعتکاف فاسد می شود. اگر یك لحظه بدون عذر از مسجد بیرون آمد، اعتکاف فاسد می شود و از نظر صاحبین اگر اکثر روز را بیرون از مسجد بگذراند اعتکاف فاسد می شود، و گرنه فاسد نمی شود. خوردن ونوشیدن، خواب و معامله بدون احضار کالا در مسجد صحیح است. در حالت اعتکاف جماع و مقدمات جماع مانند: بوسه و غیره جایز نیست. اگر جماع کرد اعتکاف باطل می شود، و اگر از بوسه و دست زدن انزال شود، اعتکاف فاسد می شود و إلا نه. خاموشی مطلق برای معتکف مکروه است بلکه از کلام دنیوی و بیهوده احتراز کند. تلاوت قرآن کریم، نفل و اذکار در حالت اعتکاف ثواب بسیار دارد. اگر کسی اعتکاف چند روز را نذر کرد، شبهای آن روزها هم اعتکاف لازم می شود و اگر یك ماه اعتکاف نذر کرد، یك ماه پیاپی اعتکاف لازم می شود.

کتاب الحج

شرایط فرضیت حج : برای اینکه حج بر آدمی فرض شود شش شرط وجود دارد، و چنانچه یکی از این شرطها موجود نباشد، فرضیت حج ساقط می شود و آن شرطها عبارتند از: ۱- اسلام. ۲- عقل. ۳- بلوغ . ٤- آزادی (یعنی غلام و برده نباشد). ٥- مستطیع باشد. (یعنی توانایی سفر و هزینه ی آن و مخارج خانواده ی خویش را تا زمان برگشت داشته باشد). ٦- امنیت راه سفر. ۷- وجود محرم و یا همسر برای زن و نبودن وی در عِده ی طلاق و یا وفات.

شرایط صحت حج: برای اینکه حج آدمی صحیح واقع شود، پنج شرط وجود دارد که چنانچه یکی از این شرطها یافته نشود، حج صحیح نخواهد شد. آن پنج شرط عبارتند از: ۱- اسلام. ۲- عقل . ۳- میقات زمانی. حج باید در ماهها و زمانهای مخصوص خود انجام گیرد و ماههای حج: شوال، ذی القعده ، و ده روز اول از ذی الحجه می باشند. ٤- میقات مکانی. مکانهایی هستند که اعمال حج می بایست در همان مکانهای مشخص انجام گیرد مثلا وقوف به عرفه باید در صحرای عرفات باشد. ٥- احرام. احرام برای حج مانند نیت برای نماز است و در احرام نیت همراه با تلبیه شرط است. ارکان حج: در حج دو رکن و فرض وجود دارد: ۱- وقوف به عرفات. ۲- طواف زیارت. واجبات حج : در حج پنج چیز بطور مستقل واجب است: ۱- سعی بین صفا و مروه. ۲- وقوف در مزدلفه . ۳- رمی جمرات . ٤- حلق یا تقصیر (تراشیدن و یا کوتاه کردن موی سر). ٥- طواف وداع (طواف صدر). اگر کسی یکی از این واجبات را بدون عذر ترك کرد، گناهکار است و برای جبران آن، فدیه ی «دَم» لازم می شود.

سنتهای حج : برای حج، آداب و سنتهای متعددی وجود دارد ولی سنتهای اصلی و مستقل حج به شرح زیر است: ۱- طواف قدوم . ۲- خطبه های سه گانه ی امام: الف: خطبه ی اول، روز هفتم ذی الحجه در مکه برای آموزش احکام مسایل حج. ب: خطبه ی دوم، در روز عرفه (نهم ذی الحجه) در میدان عرفات برای تشویق حجاج به دعا و تضرع و بیان باقیمانده ی مسایل حج؛ ج: خطبه ی سوم، روز یازدهم ذی الحجه (روز دوم عید قربان). ۳- مَبیت در «مِنی» در شب عرفه (یعنی شب عرفه را در منی سپری کردن و پنج نماز کامل را در آنجا خواندن). ٤- شب عید را در «مُزدَلِفَه» ماندن. ٥- شبهای ایام تشریق را در منی ماندن. (یعنی شبهای یازدهم و دوازدهم ذی الحجه). ٦- ماندن در «وادی مُحَصَّب». (یعنی هنگام بازگشت از منی و پایان یافتن مناسك در وادی محصب که در ورودی مکه میان دو کوه و جنب قبرستان «حُجُون» واقع است و الان تقریباً بین قصر ملك و «جَبَانَةُ المُعَلی» قرار دارد، سنت است که در یکی از مساجد آنجا بماند و نمازهای ظهر، عصر، مغرب، و عشأ را بخواند بعداً به مکه برود). اینها سنتهای مؤکده و اصلی حج بودند سنتها و آداب دیگری نیز برای حج وجود دارد که در کتابهای بالاتر بیان می شوند. انواع حج: فریضه ی حج به یکی از طرق زیر انجام می گیرد. به عبارتی حج بر سه نوع است: ۱ - قِرَان: آن است که هنگام احرام بستن، نیت ادای حج و عمره هر دو را می کند و تا پایان حج در احرام می ماند. قِرَان از تمتع و افراد افضل است. ۲- تَمَتُّع: و آن اینکه هنگام احرام بستن در ماههای حج فقط نیت عمره را می کند، به مکه می آید و اعمال عمره را بجا می آورد، سپس از احرام خارج می شود در مکه می ماند و در روز هشتم ذی الحجه دوباره برای حج احرام می بندد و اعمال حج را بجا می آورد. تمتع از افراد افضل است. ۳- إفرَاد: آن است که هنگام احرام بستن، فقط نیت ادای حج را می کند. مواقیت احرام: مکانهایی تعیین شده اند که عبور کردن از آنها بدون احرام و رفتن به سوی خانه ی خدا جایز نیست به این مکانها «میقات» گفته می شود و به قرار ذیل می باشند: ۱- میقات اهل مدینه «ذُوالحُلَیفَة». ۲- میقات اهل شام «اَلجُحفَة». ۳- میقات أهل نجد «قَرنُ المَنَازِل». ٤- میقات اهل یمن «یلَملَم». ٥- میقات اهل عراق «ذَ اتَ عِرق». «جُحفَه» در حال حاضر از بین رفته است و حجاج سرزمین شام و مناطق شمالی از شهر «رابغ» که مقداری قبل از جحفه قرار دارد، احرام می بندند. احرام و چگونگی آن: بستن احرام قبل از مواقیت نیز جایز است. احرام چنین است که نخست غسل و نظافت کامل انجام دهد و لباسهای عادی را بیرون آورد و دو تکه لباس یکی به جای پیراهن و دیگری به جای شلوار بپوشد، کفش و کلاه را نیز بیرون آورد و به جای کفش، دمپایی خاص که استخوان پشت پا ظاهر باشد بپوشد، سپس دو رکعت نماز احرام بخواند و بعد از نماز نیت کند و تلبیه بگوید. سنتهای احرام: الف: غسل کردن . ب: استفاده از عطر و بوی خوش در بدن. ج: دو رکعت نماز احرام. د: تلبیه گفتن. پس از نماز احرام، متصل با صدای بلند تلبیه بگوید، و برای حج یا عمره و یا هر دو، نیت کند، نیت این است: اللهُمَّ إِنِّی أُرِیدُ الحَجَّ وَ العُمرَةَ فَیَسِّرهُمَا لِی وَ تَقَبَّلْهُمَا مِنِی إنَّكَ أنتَ السَّمِیعُ العَلِیمُ.

اگر تنها حج باشد فقط کلمه «أرید الحج» و اگر تنها عمره باشد «العمرة» را بگوید. تلبیه این است: «لَبَّیكَ اللّٰهُمَّ لَبَّیكَ، لَبَّیكَ لاَ شَرِیكَ لَكَ لَبَّیكَ، إنَّ الْحَمْدَ، وَالنِّعْمَةَ، لَكَ وَالْمُلْكَ، لاَ شَرِیكَ لَكَ». «پروردگارا! به بارگاه تو بار بار حاضرم. به بارگاه تو حاضرم، هیچ شریکی برایت نیست. همانا حمد و نعمت و پادشاهی مختص تو است هیچ شریکی برایت نیست». حالا مُحرِم شد (یعنی در احرام قرار گرفت) پس از خدا بترسد و از ممنوعات احرام دوری کند و چنانچه مرتکب امری که از ممنوعات احرام است بشود، جریمه ی مالی (دَم و فدیه) بر او لازم می شود. ممنوعات احرام: در حالت احرام، بسیاری از چیزها برای آدمی حرام می شود که بطور خلاصه به شرح ذیل است: ۱- پوشیدن لباس دوخته شده، کفش و کلاه. ۲- گرفتن ناخن و موی از بدن. ۳- استفاده از عطر و بوی خوش چه بر لباس و چه بر بدن . ٤- کشتن شکار و نیز کندن درخت و نباتات حرم. ٥- جماع و بیان مقدمات آن. ٦- جدال و درگیری. ۷- استفاده از روغن، کِرِم و... ۸- تراشیدن موی سر و موهای زاید بدن، کوتاه کردن ریش. ۹- استفاده از لباسی که با زعفران، یا گیاه وَرس، یا عصفر رنگ شده باشد. و احرام زن: زن در همان لباس عادی خویش احرام ببندد و سرش را نیز بپوشاند و با صدای بلند تلبیه نگوید.

سنتهای طواف : ۱- اضطباع (برای مردان) . ۲- رمل درسه شوط کامل (برای مردان) . ۳- شروع طواف از جهت رکن یمانی نزدیك حجر اسود. ٤- استلام حجر اسود و بوسیدن آن در صورتی که برای دیگران زحمتی ایجاد نشود. ٥- استلام رکن یمانی. ٦- نزدیك بودن به خانه کعبه هنگام طواف (برای مردان). ۷- انجام پیاپی اشواطِ طواف.

سعی بین صفا و مروه: پس از نوشیدن آب زمزم و دعا، به «مَسعی» (محل سعی) برو. سعی میان دو کوه کوچك به نام «صفا» و «مروه» که در حال حاضر در طرح توسعه ی مسجد الحرام قرار گرفته اند به عنوان سنت حضرت هاجر علیها السلام مادر حضرت اسماعیل علیه السلام انجام می گیرد. سعی از صفا شروع و به مروه ختم می شود و هفت بار شوط

بین صفا و مروه یك سعی كامل است. سنتهای سعی : ۱- اشواطِ سعی پیاپی باشند. ۲- سعی با طهارت انجام گیرد. ۳- هنگام قرار گرفتن بر صفا و بر مروه روبروی خانه ی كعبه بایستد و تكبیر (الله أكبر) و تهلیل (لا أله أ لا الله) بگوید و درود و دعا بخواند. ٤- میان دو ستون سبز رنگ، سرعت سعی را بیشتر كند و حالت دوندگی آرام به خود بگیرد. ٥- هنگام شروع نماز جماعت، شوط سعی را قطع كند و به جماعت بپیوندد و پس از سلام، شوط را از اول شروع كند. خروج از احرام برای مُعتَمِر و مُتَمَتِّع : پس از فارغ شدن از سعی، سر خود را بتراشد و یا موها را كوتاه كند. با این عمل از احرام عمره مطلق و یا عمره تمتع خارج می شود. «مُفرِد» و «قَارِن» حلق و قصر نمی كنند بلكه در احرام باقی می مانند. اعمال روز عید: وقتی به منی رسید اعمال مهمی را باید در این روز انجام بدهد این اعمال عبارتند از: ۱- رمی «جمرة العقبة». ۲- ذبح قربانی. ۳- تراشیدن و یا كوتاه كردن موی سر. ٤- طواف زیارت و سعی بین صفا و مروه اگر قبلاً سعی نكردی. ٥- رمی جمرات سه گانه: در روز دوم، سوم و چهارم عید (یعنی روز یازدهم، دوازدهم وسیزدهم ذی الحجه) واجب است كه هر سه جمره رمی شوند، به غیر از روز سیزدهم، اگر مُحْرِم روز دوازدهم به حرم برگشت می‌تواند روز سیزدهم ذی الحجة را رمی نكند، اما اگر تا طلوع فجر صادق سیزدهم ذی الحجة در منی بود، رمی روز سیزدهم هم بر وی واجب می‌گردد.

زمان عمره : عمره در تمام سال جایز است البته در ماه مبارك رمضان ثواب بیشتری دارد و در پنج روز: نهم، دهم، یازدهم، دوازدهم و سیزدهم ذی الحجه عمره جایز نیست. فرائض عمره : در عمره دو چیز فرض است: ۱- احرام. ۲ - طواف . واجبات عمره : در عمره دو چیز واجب است: ۱- سعی بین صفا و مروه. ۲- تراشیدن و یا كوتاه كردن موها. بقیه ی اعمال در عمره سنت و آداب اند. هَدی: «هَدی» به آن گوسفند، گاو و شتری گفته می شود كه در حرم ذبح شود. شرایط هدی همان شرایط قربانی است یعنی: گوسفند حداقل یك ساله، گاو دو ساله و شتر پنج ساله باشد بره ی بالاتر از شش ماه كه چاق باشد و با گوسفند یك ساله تفاوتی نداشته باشد نیز جایز است. هدی تمتع، قِران و نافله در روزهای عید بعد از رمی جمره‌ی عقبه ذبح می شود و تمام هدایا باید در محدوده‌ی حرم ذبح شوند. انواع هَدی: هَدی بر چهار قسم است: ۱- هَدی نافله. آن است كه برای رضای الله تعالی ذبح می‌شود اگر كسی توانایی داشت انجام بدهد بهتر است زیرا پیامبر اكرم ﷺ یكصد شتر را نفلاً نحر نمودند. ۲- هَدی واجب . هدیی است كه به عنوان شكرانه ی توفیق ادای حج بر حاجی متمتع و قارن واجب می شود. ۳- هَدی واجب جریمه . هدیی است كه پس از ارتكاب ممنوعات حج به عنوان جریمه و «دم جبران نقصان» بر حاجی و یا عمره كننده لازم می شود. استفاده از این هَدی برای حاجی و یا افراد غنی جایز نیست بلكه باید آن را بر فقرا صدقه كرد. ٤- هَدی نذر. آن هدیی است كه حاجی در آنجا نذر می كند. استفاده از این هدی نیز برای نذر كننده و افراد غنی جایز نیست. خلاصه جنایات و جریمه های حج: جنایت در حج عبارت است از: «ارتكاب عملی از اعمال ممنوع در حج و یا ترك واجبی از واجبات آن». جنایت بر دو قسم است: ۱ - جنایت در حرم. ۲- جنایت در احرام . جنایت در حرم: این است كه كسی به صید حرم مستقیما یا با اشاره و راهنمایی تعرض كند یا درختان و نباتات حرم را با قطع كردن و یا از بیخ بركندن مورد تعرض قرار دهد كه در این صورت مرتكب این عمل چه فرد محرم چه غیر محرمی باشد جریمه می شود و این عمل او «جنایت» محسوب می شود.جنایت در احرام: این است كه شخص محرم در حال احرام مرتكب عملی از ممنوعات حج شود و یا عمل واجبی از واجبات حج را ترك كند. جنایت در احرام بر شش قسم است: اول - جنایتی كه حج را فاسد می كند و با جریمه جبران نمی شود مانند: جماع قبل از وقوف عرفه. دوم - جنایتی كه جریمه ی آن یك شتر و یك گاو است و این در دو حالت است: الف: جماع بعد از وقوف قبل از حلق. ب: طواف زیارت در حالت جنابت. سوم - جنایتی كه جریمه ی آن یك گوسفند و یا یك هفتم گاو و یا شتر است و این در موارد ذیل لازم می شود: ۱- پوشیدن لباس دوخته شده بدون عذر شرعی. ۲- دور كردن موهای سر و ریش بدون عذر. ۳- پوشاندن چهره یك روز كامل. ٤- چیدن ناخنهای یك دست و یك پا. ٥- ترك طواف صدر. ٦- ارتكاب مقدمات جماع. ۷- بوی خوش زدن به یك عضو كامل از اعضای بدن مانند: سر، صورت، ران، ساق و بازو و نیز پوشیدن لباسی كه بوی خوش به آن زده شده است. چهارم - جنایتی كه جریمه ی آن صدقه است به اندازه ی نصف صاع گندم و یا قیمت معادل آن و این در موارد زیر است: ۱- تراشیدن كمتر از یك چهارم سر یا كمتر از یك چهارم ریش. ۲- گرفتن ناخن یك انگشت و یا دو انگشت. ۳- بوی خوش زدن به كمتر از یك عضو. ٤- پوشیدن لباس دوخته شده و یا بوی خوش زده شده كمتر از یك روز كامل. ٥- پوشیدن سر و یا صورت كمتر از یك روز. ٦- بجا آوردن طواف قدوم و یا طواف صدر با بی وضویی. ۷- ترك رمی یك سنگریزه از یكی از جمرات. پنجم - جنایتی كه جریمه ی آن كمتر از نصف صاع صدقه است و این در صورتی است كه شپش و یا ملخی را به قتل رساند. ششم - جنایتی كه جریمه ی آن قیمت معادل لازم است و این در صورتی است كه صید بیابانی در حرم كشته شود و یا در كشتن آن مشاركت داشته باشد در این صورت قیمت آن لازم است چه صید حلال باشد و چه صید حرام.

التماس دعا